

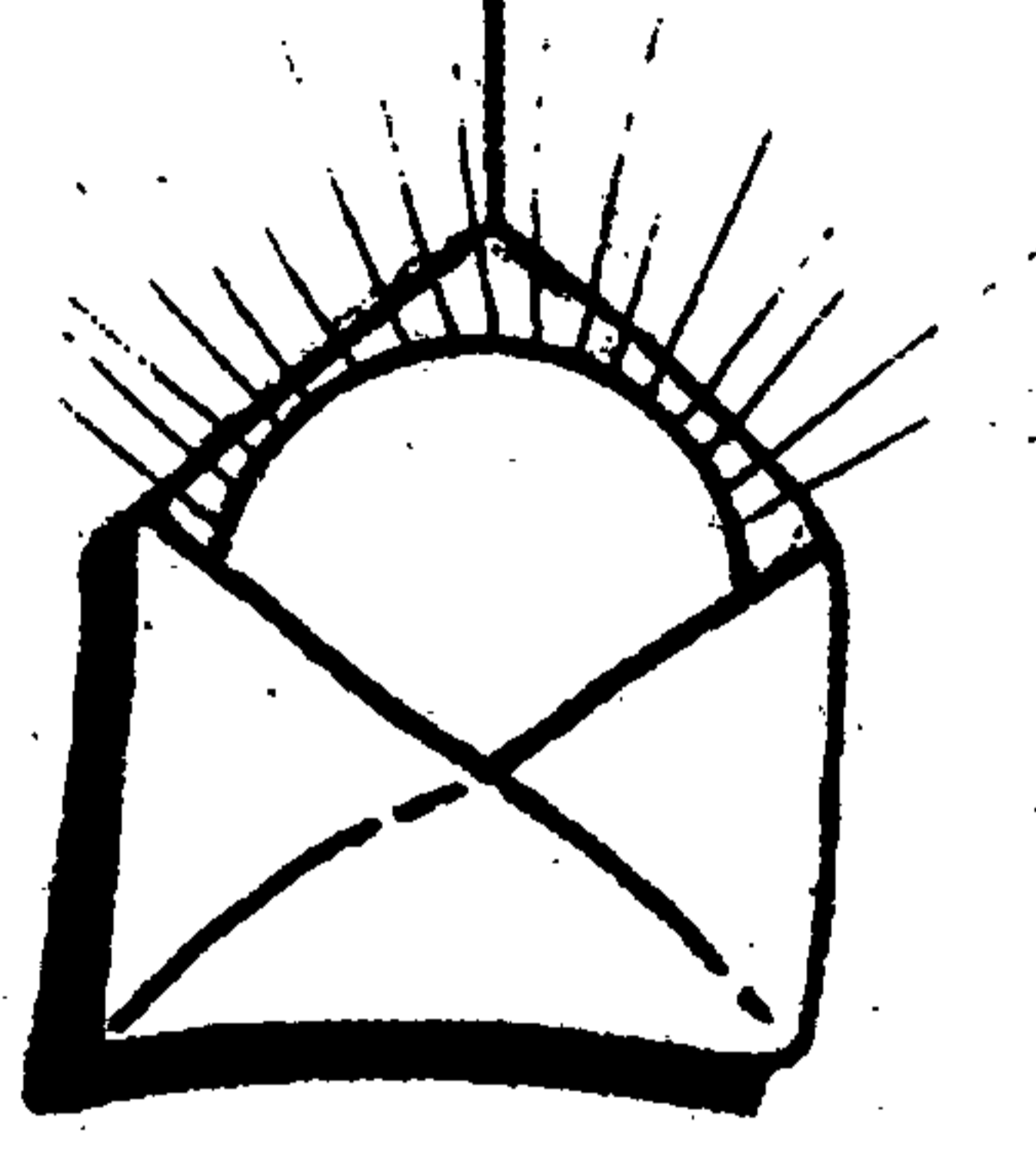
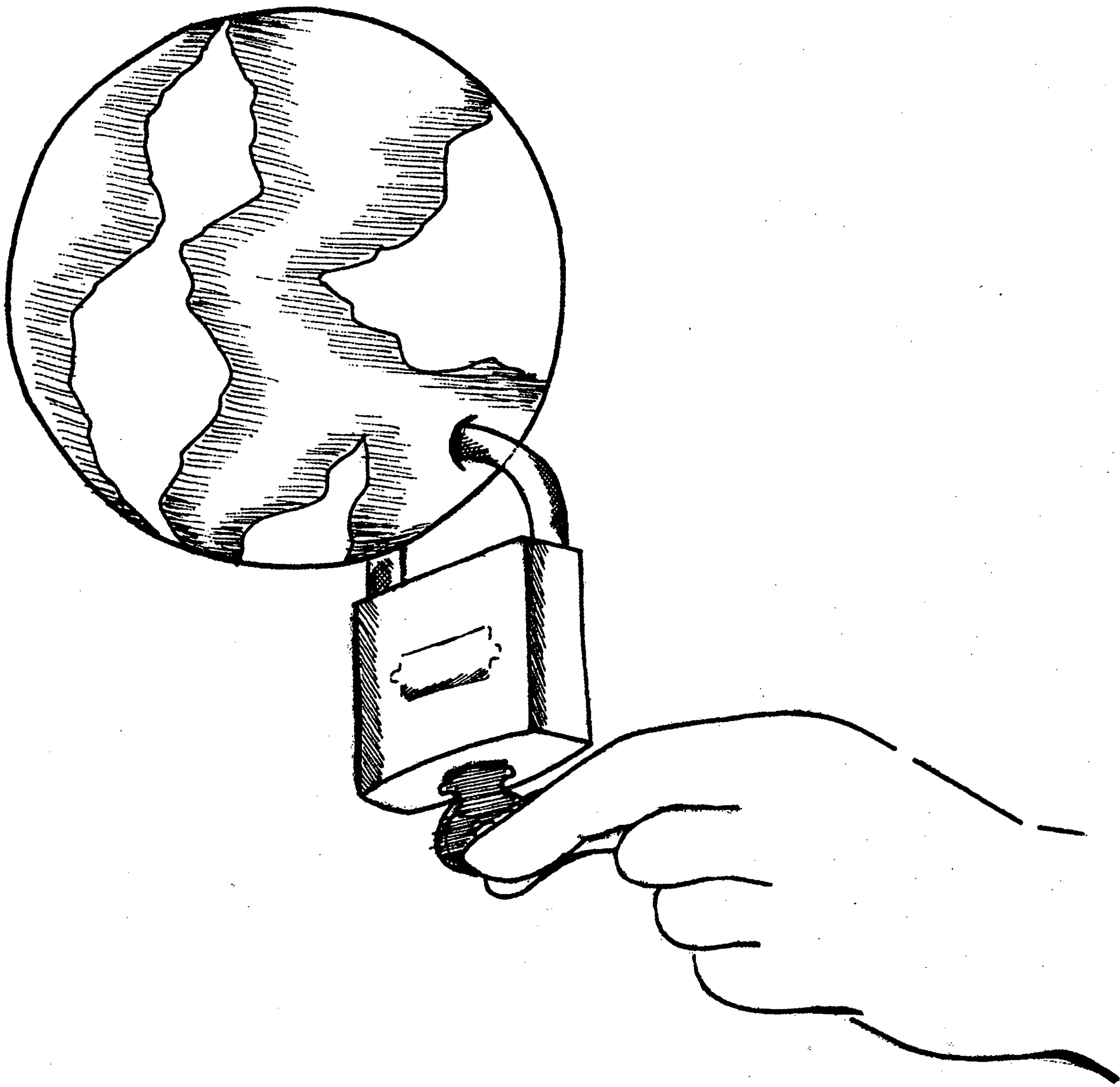
اشاره

جهانی شدن، روندی است که تمام مرزها را در نور دیده و از آن در محفل های گوناگون علمی، سخن به میان می آید و از سویی این پروسه با مباحث مهدویت پیوند خورده است.

لذا در این نوشتار، ضمن تعریف جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج) به مقایسه و سنجش آن دو پرداخته و در پایان به برخی از امتیازات حکومت جهانی امام مهدی (عج) اشاراتی شده است.

جهانی شدن و مقایسه‌ی آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج)

دکتر حبیب الله طاهری



انظار

۱۸۶

مقدمه

درباره‌ی آینده‌ی بشر، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. برخی می‌گویند: «فساد و شر و بدبختی، لازمه‌ی جدانشدنی حیات بشری است و به خاطر پیشرفت سریع و حیرت‌آور فن‌آوری و صنعت و انباشت سلاح‌های مُخرَب و ویران‌کننده و سلاح‌های کشتار جمعی، بشر، به مرحله‌ای رسیده که گور خود را با دست خود کنده و بانابودی کامل، بیش از یک گام فاصله ندارد. بنابراین، آینده‌ی بشر، بسیار تاریک و خطرناک است.»

گروهی دیگر آینده‌ی بشر را روشن می‌بینند. اندیشه‌ی پیروزی نهایی و تشکیل مدینه‌ی فاضله و حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل، آرزوی دیرینه‌ی ملت‌ها و فرهنگ‌ها است تا جایی که هر یک از طرفداران ادیان الهی می‌گویند، آینده‌ی جهان، از آن ما است و هر مذهب و ملتی، خود را پیروز نهایی می‌داند و مصلح کل و سامان‌بخش زندگی بشر را از خود

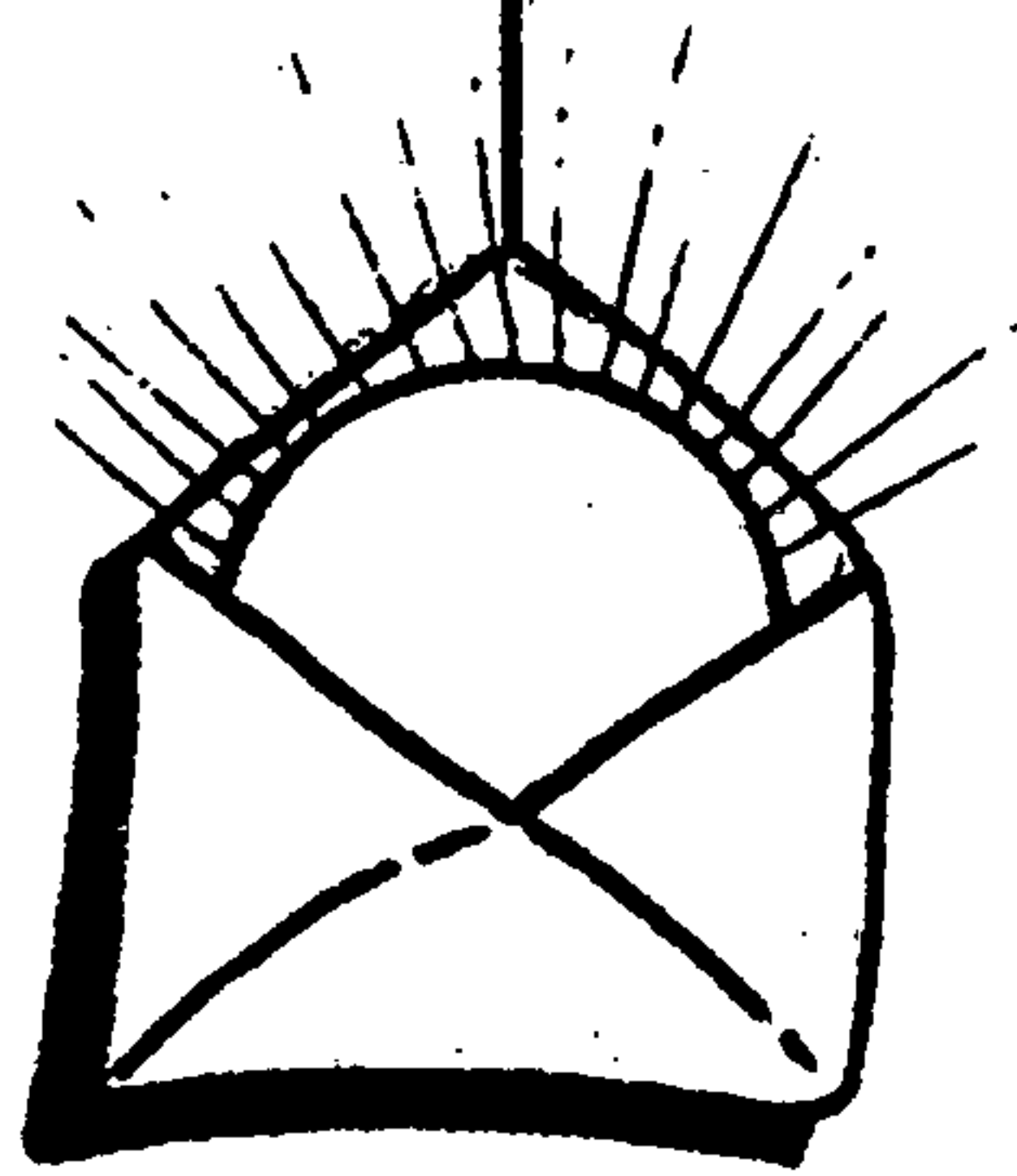
می‌داند.

در اسلام، بویژه در مکتب تشیع، توجه به آینده و تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم، جایگاه خاصی دارد. در این رابطه، سخنان بسیاری از رسول گرامی اسلامی (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) صادر شده است. این مسئله، در تاریخ اسلام، به نام «مهدویت» مطرح شده است و انتظار فرج، با زندگی آنان عجین گشته است و آنان دائم، در انتظار روزی نشسته‌اند که آن رجل الهی و مصلح کل، یعنی حضرت حجت بن الحسن امام محمد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر گشته و آن حکومت واحد عدل جهانی را تشکیل دهد تا بشر به آرزوی دیرینه‌ی خود برسد و زندگی سعادت‌مند و فارغ از هر نوع ظلم و ستم و دغدغه‌ی خاطر را ببیند.

۲. قرن بیستم، در تاریخ حیات بشر، قرنی ویژه و دارای امتیازات منحصر به فرد در میان اعصار و قرون گذشته است بشر، در این قرن، با ابتکار و به کارگیری نبوغ و با تکمیل اختراعات و اکتشافات خویش در زمینه‌ی معادن و صنعت و با ساخت ماشین آلات و خصوصاً استفاده از اتم، توانست صفحات عظیمی از حیرت و شگفتی را بر پهنای گیتی بر جای گذارد، و با تسلط خویش بر بخش عظیمی از کره‌ی خاکی و محیط زیست، آن را تسخیر کند. در این قرن، بشر برای نخستین بار، با سفر به کره‌ی ماه و سایر سیارات، سیر در آسمان‌ها را شروع کرد تا به اسرار آسمان‌ها پی ببرد در این قرن، بهره‌گیری از رایانه، وارد زندگی بشر شد و امروزه، در تمام زمینه‌های زندگی، اعم از صنعتی، کشاورزی، بهداشتی، تجاری، علمی، فرهنگی، بدون بهره‌گیری از رایانه، ادامه‌ی مسیر، میسر نیست.

به هر حال، روند تحولات در قرن بیستم، در دهه‌ی هزار و نهمصد و هفتاد میلادی، وارد مرحله‌ی جدیدی شد و در اواسط دهه‌ی هزار و نهمصد و هشتاد، تقریباً، در تمامی زمینه‌ها، نشان خود را بر جای گذاشت. در دهه‌ی هشتاد میلادی، برای رجوع به این دگرگونیها، مفاهیمی مانند جامعه‌ی فراصنعتی و فرامدرن (پست مدرن) به کار می‌رفت، اما در دهه‌ی نود میلادی مفهوم «جهانی شدن» رایج گردید و مفهوم مسلط دوران معاصر شد، به گونه‌ای که امروز، همه چیز با رجوع به این مفهوم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در ظاهر، امر جهانی شدن، یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن، همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود. جهانی شدن در هر زمینه، دیگر مرز جغرافیایی نمی‌شناسد. جهانی شدن در زمینه‌ی اقتصادی، در هر کشوری اتفاق بیفتد، بر



آشپز

۱۸۷

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۱

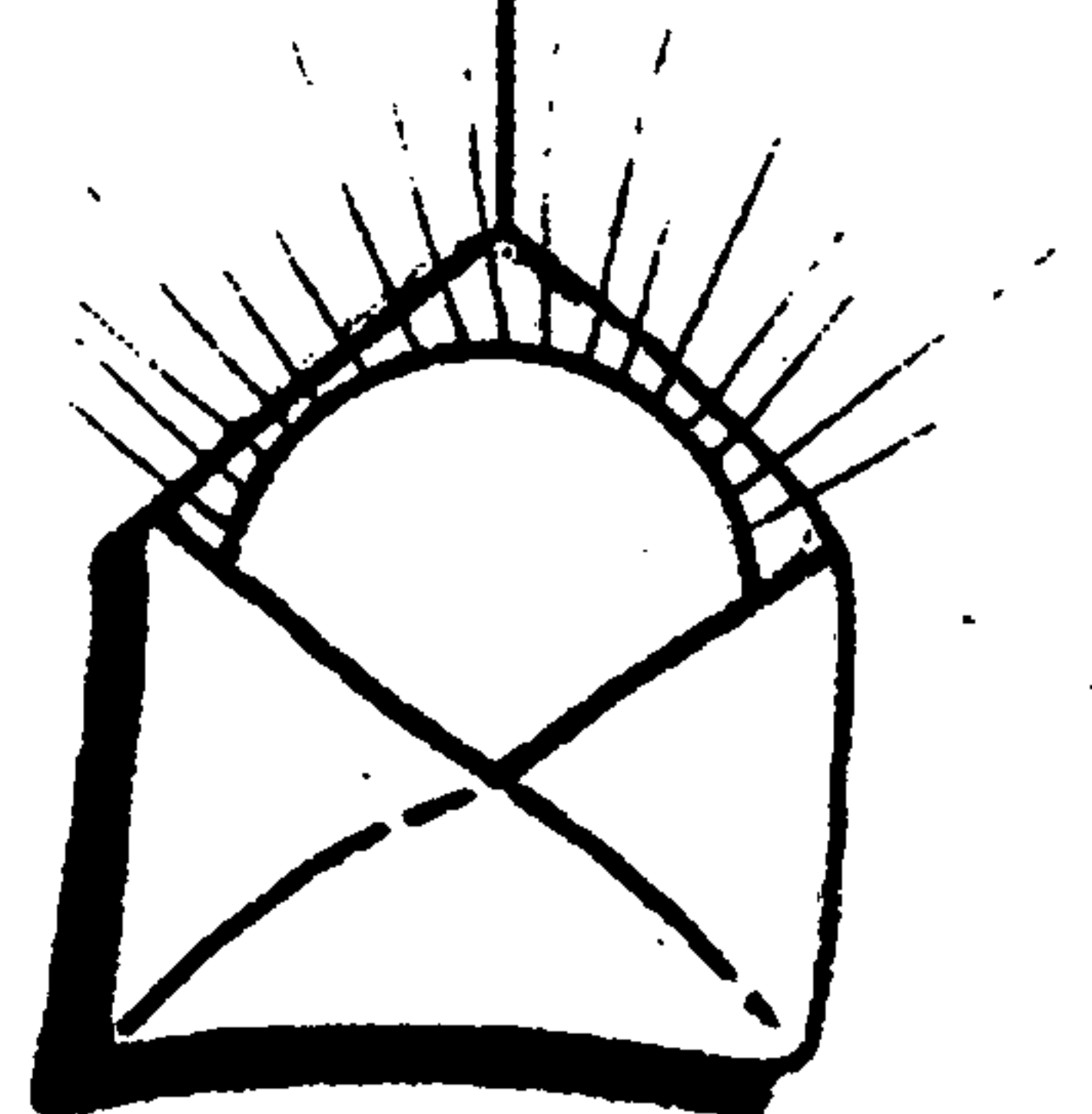
اقتصاد دیگران تأثیر می گذارد.

با جهانی شدن، بعد سرمایه نیز مرز ندارد. سرمایه، از یک طرف و اطلاعات در طرف دیگر، بدون مرز، مثل باد می چرخد و به سرعت جابه جایی می شود. اینترنت و شبکه های ماهواره ای و خبری، ارتباطات مستمر و همزمان را بین مردم دنیا برقرار می کنند و دنیا به صورت دهکده ی جهانی در آمده است.^۱

امروزه، برخی این نتیجه رسیده اند که سعادت و خوش بختی و زندگی فارغ از هر دغدغه، تنها در صورتی است که همه چیز جهانی باشد و تحت حکومت واحد جهانی اداره شود و لذا تمام همت خود را بر این گذاشته اند که همه چیز را جهانی سازند: اقتصاد جهانی؛ تجارت جهانی؛ فرهنگ جهانی؛ سیاست جهانی؛ دهکده جهانی. بنابراین جهانی شدن، امری حتمی و محقق یافته و یا در حال تحقق است پس باید همه خود را با آن وفق دهند.

۳. جهانی شدن در ابعاد گوناگون خود (اقتصاد، فرهنگ، سیاست، مذهب) مباحث مختلفی را می طلبد و این طور هم نیست که به راحتی بتوان اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مذهب های مختلف را به صورت واحد جهانی درآورد و یک شبه همه ی مرزها را در هم کوبید. جهانی شدن، با چالش های زیادی روبه رو است (بحث های زیادی را می طلبد). ما، در این مقاله، تنها می خواهیم ببینیم «جهانی شدن با دین و مذهب، چه تناسبی دارد؟ آیا در این جا نیز با چالش ها روبرو است یا نه، همسو و همگون اند؟».

جهانی شدن در رابطه ی با مذهب و دین نیز مباحث بسیاری را می طلبد، مانند: آثار و پیامدهای جهانی شدن بر حیات دینی؛ آینده ی ادیان در فرایند جهانی شدن؛ جهانی شدن و پویایی انتظارات از دین؛ جهانی شدن و حکومت های دینی؛ جهانی شدن و قلمروهای دین؛ جهانی شدن و گفت و گوی ادیان؛ بنیادگرایی و جنبش های ضد جهانی سازی؛ دین های محدود و دین های جهانی؛ حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ارتباط آن با مسئله ی جهانی شدن. آن چه در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد، تنها، مسئله ی حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج) در مقایسه با جهانی شدن است. ما می خواهیم ببینیم «آیا جهانی شدن، همان حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است یا غیر آن؟ آیا جهانی شدن، مقدمه ای برای آن حکومت واحد است یا اساساً ربطی با آن ندارد؟ آیا با جهانی سازی و سرانجام جهانی شدن، ما را از تشکیل حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بی نیاز می کند و یا این که نیاز بشر به آن حکومت عدل



انظار

۱۸۸

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۱

جهانی، به جای خود محفوظ است؟ جهانی شدن با آن حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه وجه اشتراک و چه امتیازاتی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست باید جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را معرفی کنیم و سپس به مقایسه و سنجش آن دو با هم پردازیم. بنابراین، مطالب اصلی مقاله، تحت عناوین ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. جهانی شدن؛

۲. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛

۳. مقایسه و بررسی وجه اشتراک و تمایز آن دو.

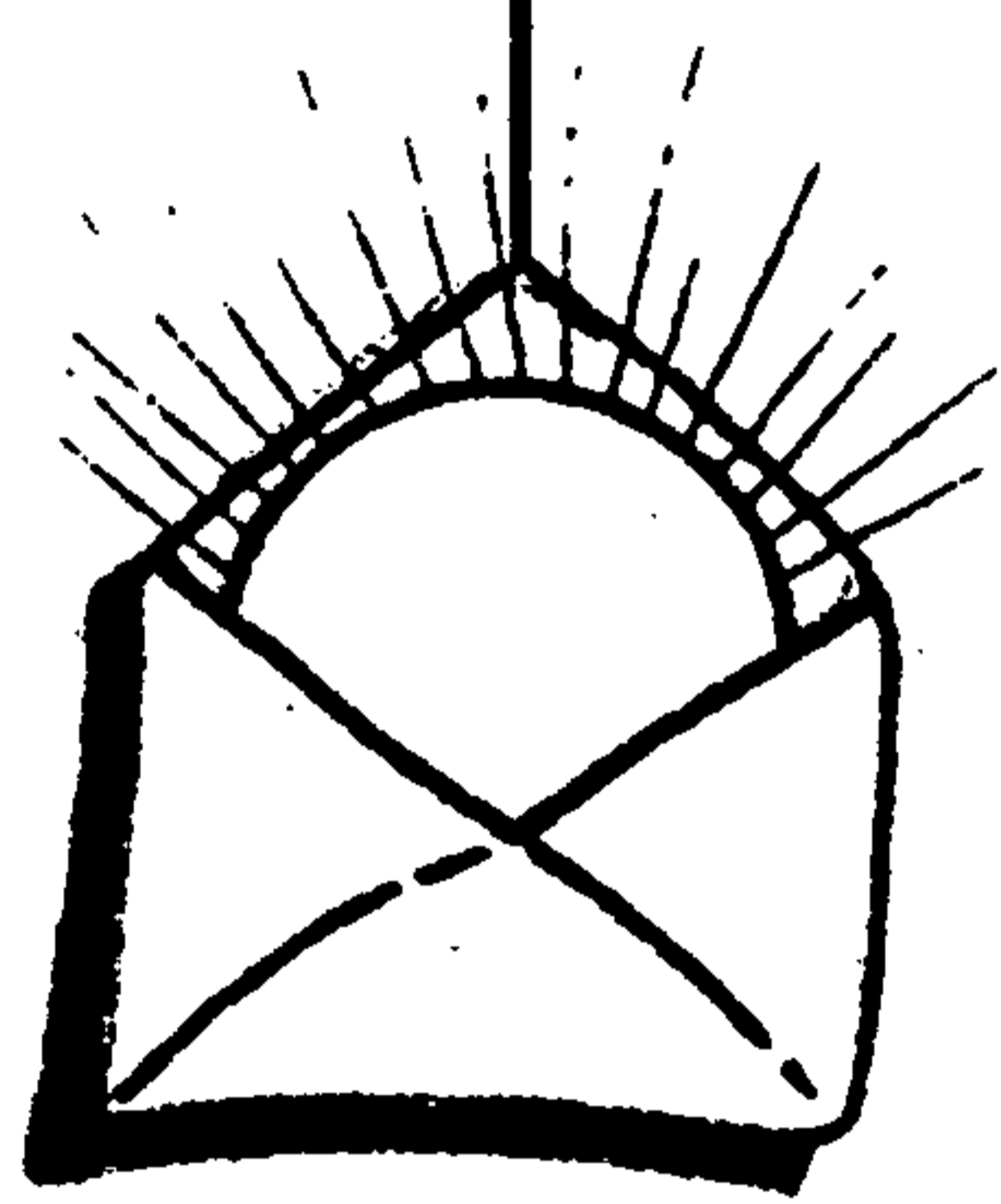
جهانی شدن^۲

جهانی شدن، یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن، همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود. در حقیقت، جهانی شدن، به معنای آزادی مطلق کسب و کار، برداشته شدن تمامی موانع از سر راه، جریان یافتن سهل و ساده‌ی سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه‌ها، حرکت روان اطلاعات و امور مالیّه و خدمات، تداخل فرهنگ‌ها آن هم به سوی یک‌سان شدگی و یکدستی است. البته، تمامی این امور، در مقیاسی جهانی رخ می‌دهد و هدف نیز دست‌یابی به بازار واحد جهانی، فارغ از موانع امور تولید و سرمایه‌گذاری و خدمات و اشتغال خواهد بود.

برخی، پا را فراتر گذاشته‌اند، از حکومت واحد جهانی و پول واحد در سراسر جهان یاد می‌کنند.^۳

به نظر گروهی دیگر، جهانی شدن، در حقیقت، فراتر از پدیده‌ی کلاسیک «دولت - ملت» است. به این معنا که با توجه به رخدادهای عظیم ارتباطی ورود بازیگران جدید به عرصه‌ی بین‌المللی، نقش «دولت - ملت» تا حدود زیادی کم‌رنگ شده است. در این معنای از جهانی شدن، دولت‌ها، دیگر تصمیم‌گیرندگان اصلی در رویدادها نیستند و قدرت، در سیاست جهانی، از دولت‌های محصور در مرزها به دولت‌هایی منتقل می‌شود که قادر به تکاپو در جهان‌اند.

گروهی نیز جهانی شدن را به عنوان گسترش روند رو به توسعه‌ی تجارت جهانی



اشپزار

۱۸۹

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۱

دانسته اند که اکنون بازیگرانی از جنوب نیز به آن پیوسته اند.

کاربرد اصطلاح «جهانی شدن» به دو کتابی بر می گردد که در سال هزار و نهصد و هفتاد میلادی انتشار یافت. کتاب نخست «جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی» تألیف مارشال مک لوهان و کتاب دوم، نوشته برژینسکی، مسئول سابق شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان بود. مباحث کتاب نخست، بر نقش پیشرفت وسائل ارتباطی در تبدیل دنیا به دهکده‌ی واحد جهانی متمرکز بود. در حالی که بحث اصلی کتاب دوم، درباره‌ی نقشی بود که آمریکا می‌بایست برای رهبری جهان و ارائه‌ی نمونه‌ی جامعه‌ی مدرنسیم به عهده می‌گرفت.^۴

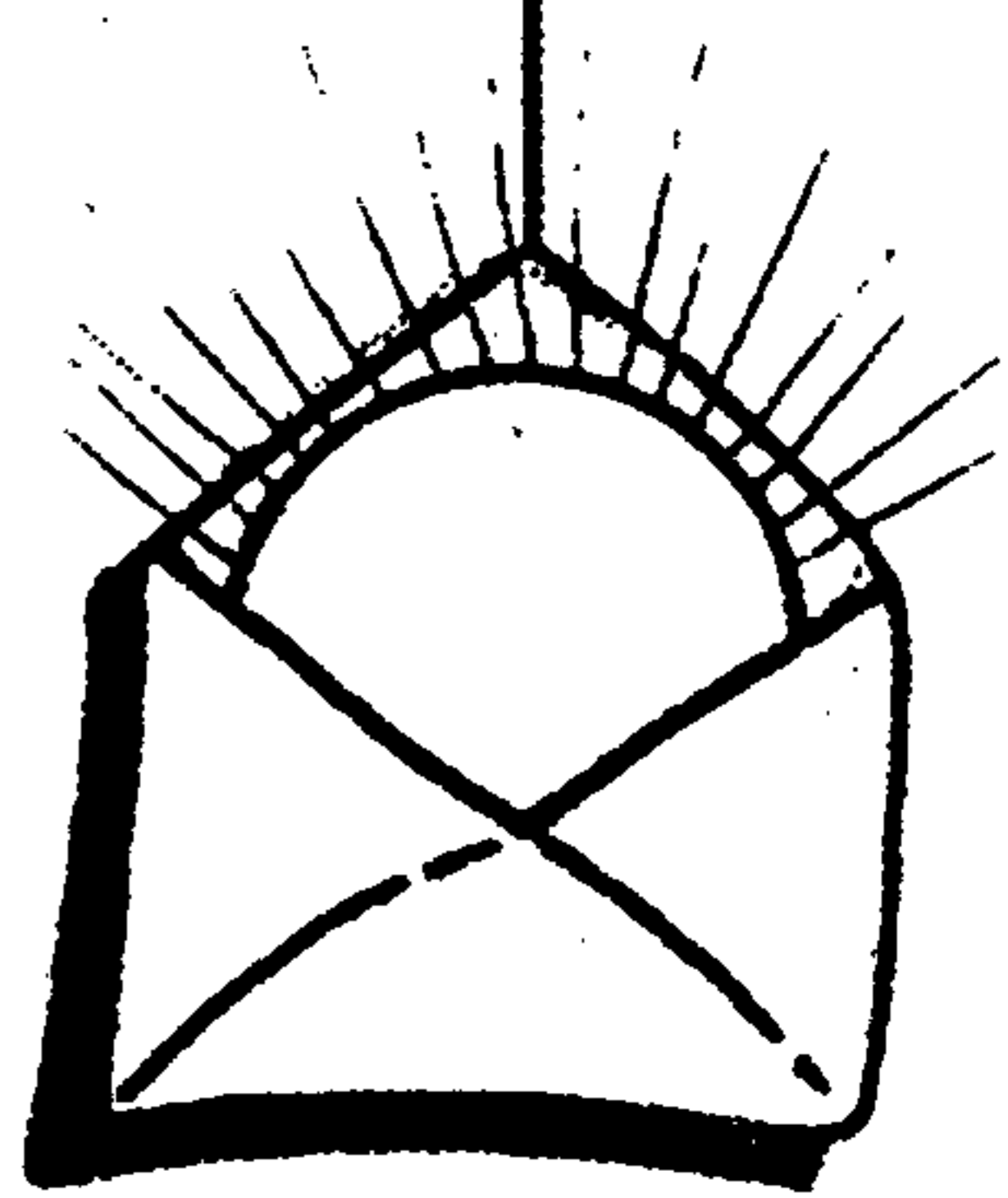
در عمل، بیش‌تر توافقاتی سیاسی و اقتصادی که پس از دو جنگ جهانی خسارت بار، بین مجموع کشورهای جهان انجام گرفته و به نوعی، زمینه‌ساز همزیستی و همکاری بین‌المللی شده است، طلایه‌دار تحوکی بوده که «جهانی شدن» نامیده می‌شود.

این پدیده، روندی از دگرگونی را به نمایش می‌گذارد که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و دانش، فرهنگ و شیوه‌ی زندگی را نیز در بر می‌گیرد. از این جهت، جهانی شدن، چند بُعدی است و قابل تسری به مشکل‌های گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فن‌آوری، محیط زیست،... است.

بعضی از صاحب‌نظران، ویژگی‌های پنج‌گانه‌ی زیر را برای جهانی شدن مطرح کرده‌اند:

۱. گسترش کمپانی‌های چند ملیتی؛ اهمیت شرکت‌ها در نظام جهانی، بیش از اهمیت دولت‌ها است. به عبارت دیگر، دولت‌های ملی، جای خود را به کمپانی‌های بزرگ چند ملیتی داده‌اند و کشورهای مختلف جهان با کمپانی‌های بزرگ خود مشخص می‌شوند.

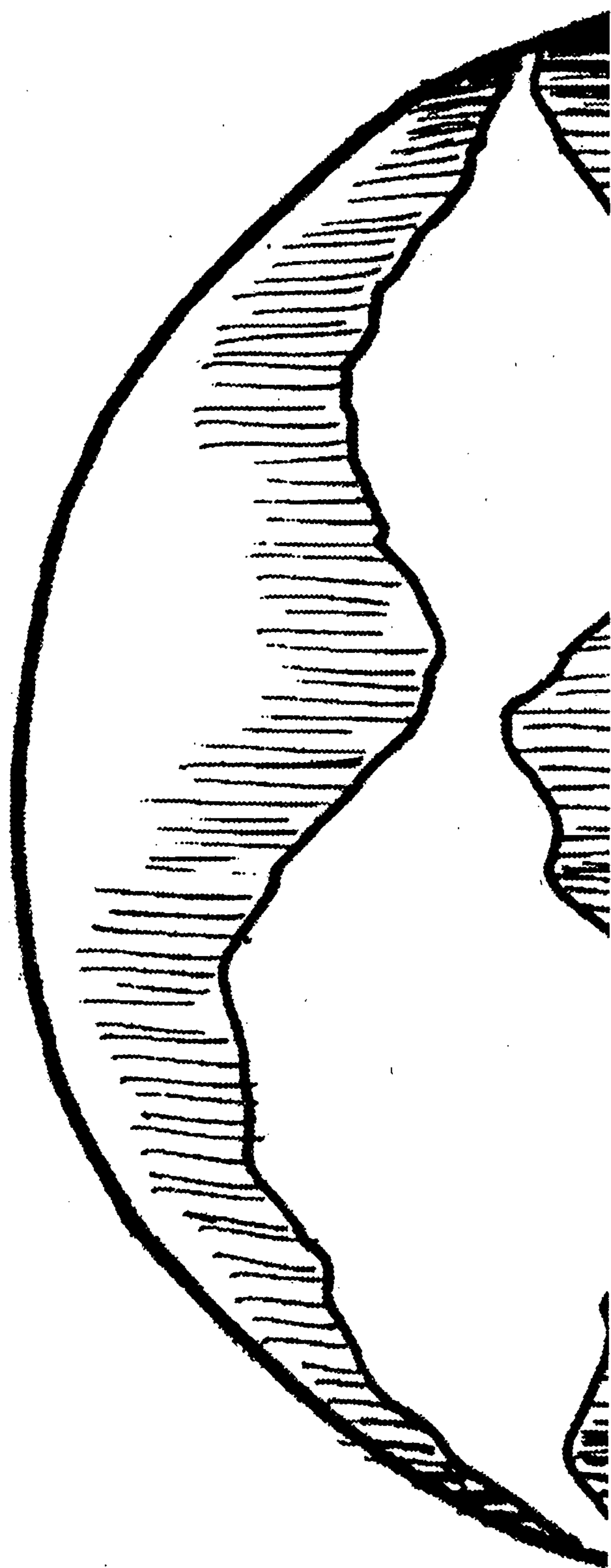
۲. پیوستگی بازارهای مالی و بورس جهانی؛ این پیوستگی، آن قدر سریع است که در سالهای اخیر، روزانه، میلیاردها دلار در بازارهای جهانی رد و بدل می‌شود.



انتشار

۱۹۰

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۱



۳. گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و شبکه‌ای و به دنبال آن گسترش داد و ستدهای فرهنگی در سطح جهان؛ گروهی، جهانی شدن را از کانال ارتباطات و داد و ستدهای فرهنگی می‌نگرند.

۴. گسترش شبکه حمل و نقل بین‌المللی و کاهش شدید هزینه‌های مربوط؛ این امر، فرایند جهانی شدن را تسهیل کرده است و موجب شده است که دنیا به رسمیت ادغام و وحدت حرکت کند.

۵. تقسیم کار گسترده، بر اساس مباحث اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، اقتصاد، وقتی شکوفا و بزرگ و پیچیده می‌شود که تقسیم کار اجتماعی، در آن گسترده‌تر می‌شود، و به همین نسبت، دنیا هم وارد تقسیم کار گسترده‌ای شده است.^۵

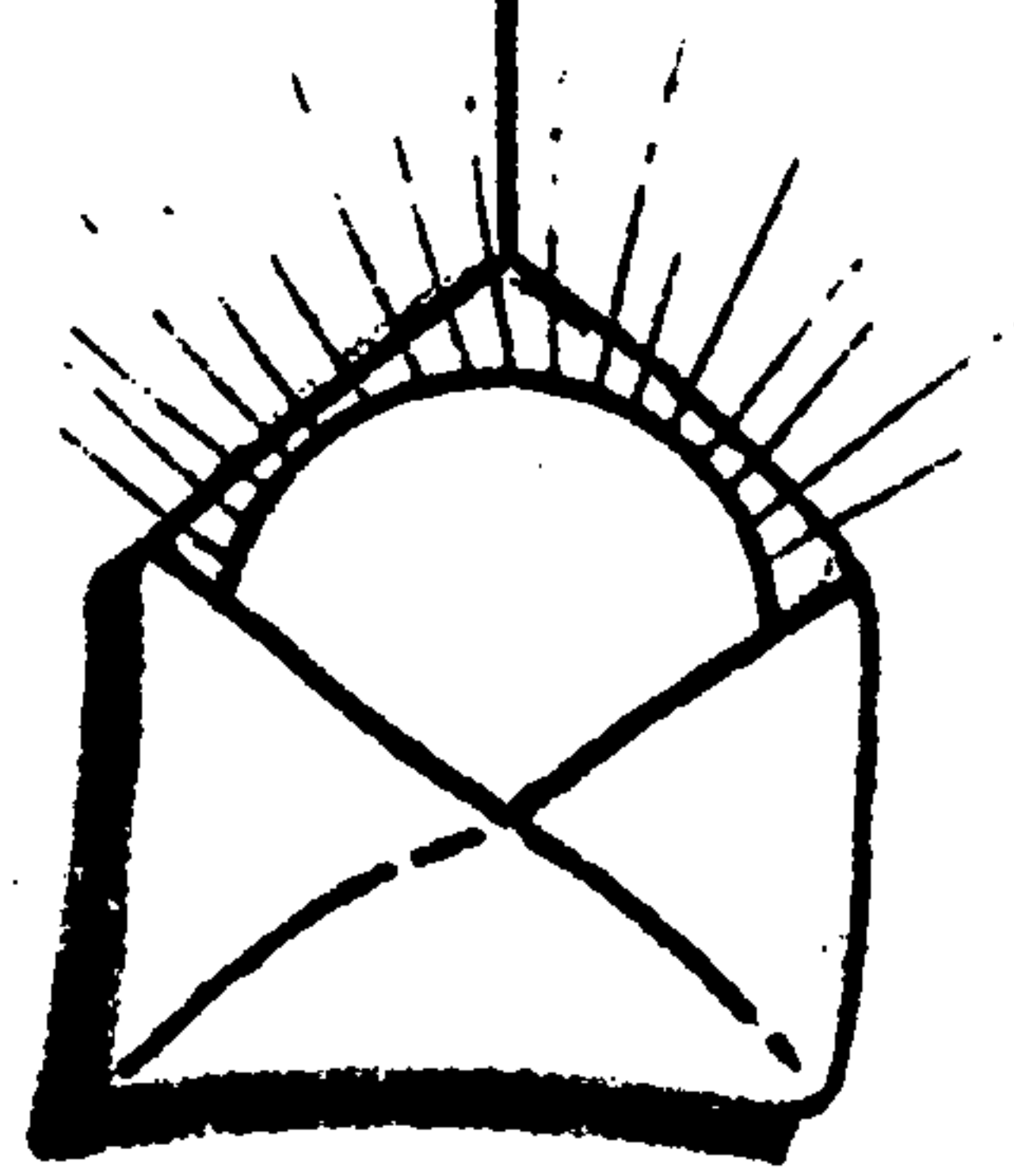
هر چند که جهانی شدن، پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست، لکن اقتصاد، با اهمیت‌ترین بُعد آن است؛ زیرا، در نظام سرمایه‌داری که سودای رهبری جهان کنونی را در سر دارد، سیاست و فرهنگ - که دو محور اصلی دیگر جهانی شدن است - تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌گذاری اقتصادی قرار دارد. لذا سازمانهای بین‌المللی، عمدتاً، در محور اقتصاد تنظیم شده‌اند. سازمانهای اقتصادی بین‌المللی و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای، نظیر «آ.سبه.آن»، «نفتا»، «اگو»، ادغام بازارهای مالی، اتحاد پولی کشورهای اروپایی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تأسیس سازمان تجارت جهانی، آزادسازی تبادل کالا و نقل و انتقال سرمایه بین کشورها، ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ، از این قبیل‌اند.

تعاریفی از جهانی شدن

به نظر می‌رسد با همه‌ی تعاریفی که از جهانی شدن ارائه شده، تاکنون، تعریف روشن و جامعی از آن ارائه نشده است؛ زیرا، اولاً، این پدیده هنوز به حد تکامل نهایی خود نرسیده و هنوز دست‌خوش تحول است و هر روز، وجه تازه‌ای از ابعاد گوناگون آن مشخص و نمایان می‌شود.

ثانیاً، هر کسی در مقام تعریف، بُعدی از ابعاد آن را بازگو می‌کند. اغلب، به بُعد اقتصادی آن توجه کرده‌اند. به هر حال به برخی از تعاریف اشاره می‌کنیم:

۱. جهانی شدن، فرایندی است اجتماعی که در آن، قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده، از کاهش این قید



انظار

۱۶۱

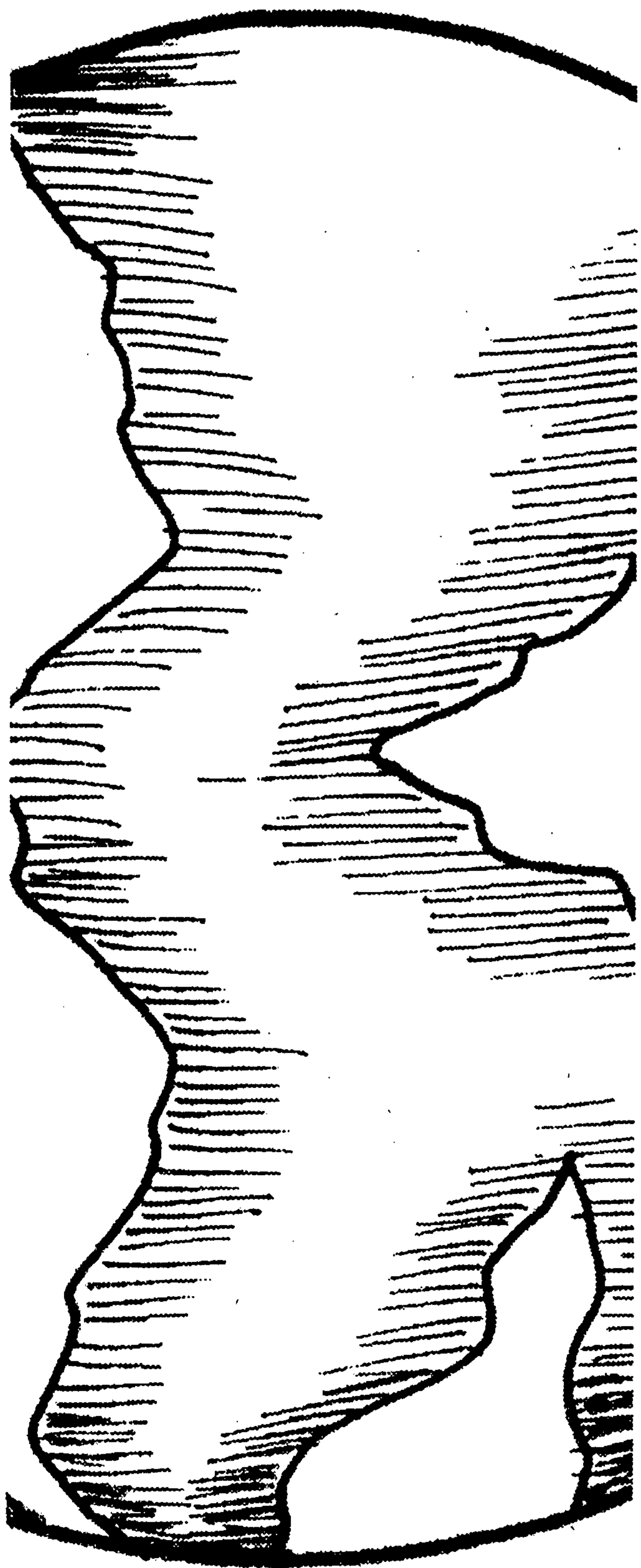
سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۱

و بندها آگاه می شوند.^۶

۲. «کاستل» با اشاره به عصر اطلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه‌ی شبکه‌ای می‌داند که در ادامه‌ی حرکت سرمایه‌داری، پهنه‌ی اقتصاد و جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد.

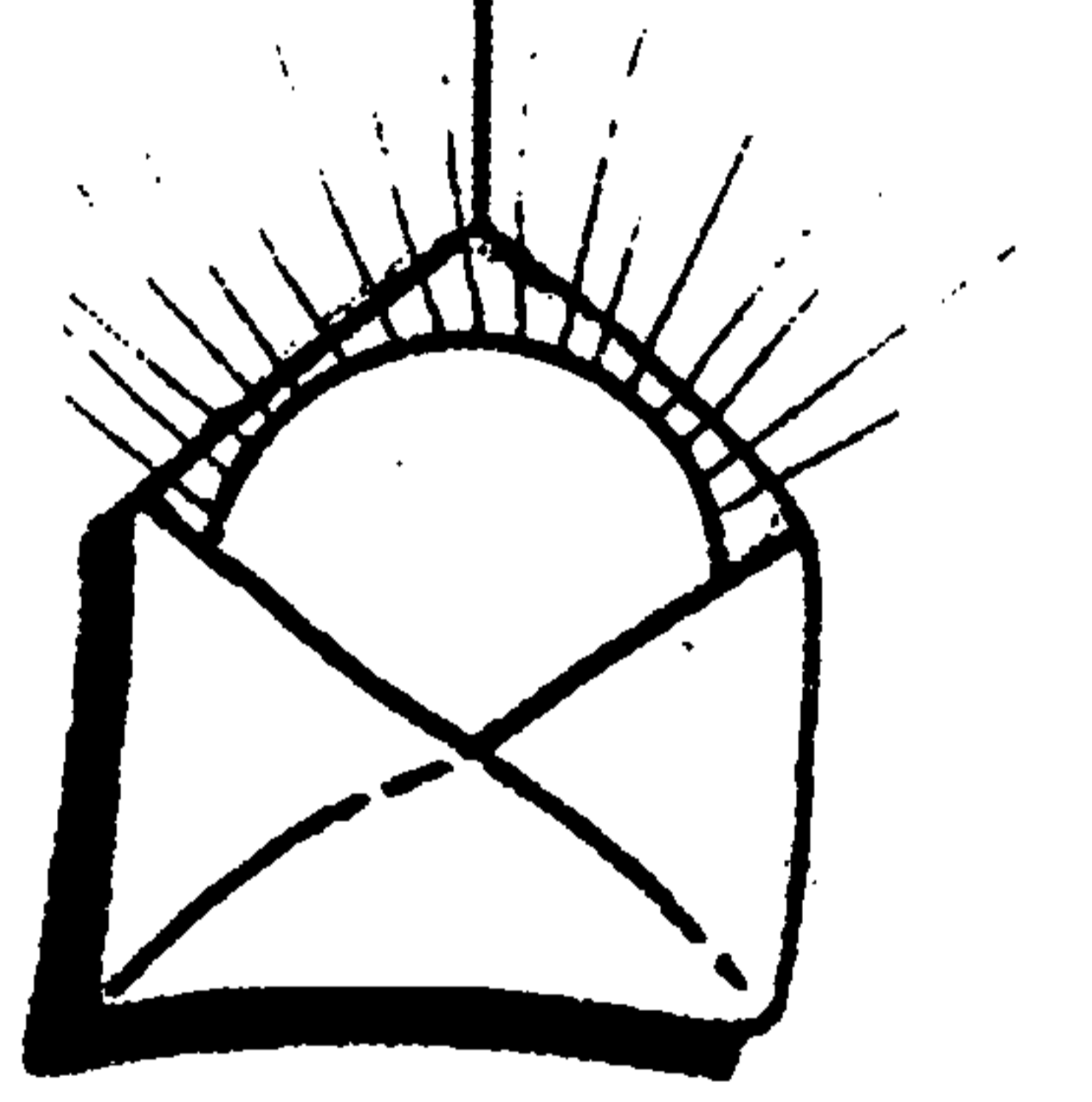
۳. «جان تام لینگون» جهانی شدن را فرایند توسعه‌ی سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع و فرهنگ‌ها و نهادها و افراد در سراسر جهان معرفی می‌کند.

۴. «هاروی» این فرایند را در بردارنده‌ی دو مفهوم فشردگی زمان و مکان و کاهش فاصله‌ها تلقی می‌کند. در واقع، طبق این نظر، فشردگی زمان و مکان، مهم‌ترین ویژگی جهانی شدن است؛ یعنی، فاصله کم می‌شود و یا از بین می‌رود، و زمان لازم برای پیمودن فاصله‌ها کاهش می‌یابد و جهان بیش از پیش کوچک‌تر به نظر می‌رسد و انسان‌ها و جوامع، به طریقی به هم نزدیک‌تر می‌شوند. پس جهانی شدن، فرایندی است که روابط اجتماعی را بسط می‌دهد و در سه حوزه‌ی اقتصاد و فرهنگ و سیاست، صادق است و بستر جریان این روابط را از متن محلی به متن جهانی تغییر می‌دهد.^۷



تاریخچه‌ی جهانی شدن

ریشه‌های تاریخی جهانی شدن را می‌توان به عمق تاریخ بشر و به زمان‌های قدیم مربوط دانست. طبق نظر جامعه‌شناسان و باستان‌شناسان، زندگی بشر، از زندگی‌های محدود خانوادگی و انفرادی در جنگل‌ها و غارها و پناهگاه‌ها شروع شده و به تدریج، به جمعیت‌های عشره‌ای و قبیله‌ای و اجتماعات محدود در کنار چشمه‌ها و رودخانه‌ها تبدیل شده، بعداً، همین‌ها، روستاها و واحدهای کوچک شده‌اند، و سپس شهرها تشکیل شده، و از شهرها، به تدریج، به کشورها و دولت‌ها پدید آمده‌اند. بنابراین، در مجموع، زندگی بشر، به سوی جهانی شدن در حرکت است؛ یعنی، هر چه که به پیش می‌رویم، تفرقه‌ها کم و تجمع‌ها زیاد می‌شود و هر چه که به عقب برگردیم، به



انظر

۱۹۲

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۱

تفرقه‌های بیش‌تر می‌رسیم. لذا می‌گویند، جهانی شدن، یک امر طبیعی است.

البته، این حرکت، در قرون اخیر، سرعت بیش‌تر به خود گرفته است و دیگر به صورت گذشته، کند حرکت نمی‌کند؛ زیرا، با در اختیار گرفتن ابزاری مثل بخار و اختراع ماشین و وسائل ارتباط جمعی و دریایی و زمینی و هوایی و توسعه‌ی راه‌ها، به تدریج، کشورها، تبدیل به منطقه‌ها و حکومت‌های منطقه‌ای می‌شوند، و چون این جهانی شدن، در ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، شکل می‌گیرد، قهراً، بلوک‌ها درست می‌شود و معلوم است وقتی ارتباطات بشر با ماهواره و اینترنت انجام گیرد، حرکت به سوی جهانی شدن، با سرعت و شتاب بیش‌تری انجام خواهد گرفت.

آنانی که به این نحو، به سابقه‌ی تاریخی جهانی شدن معتقدند، می‌گویند، جهانی شدن، فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تأثیرات آن رو به فزونی بوده است، اما اخیراً، یک شتاب ناگهانی در آن پدیدار شده است.^۸

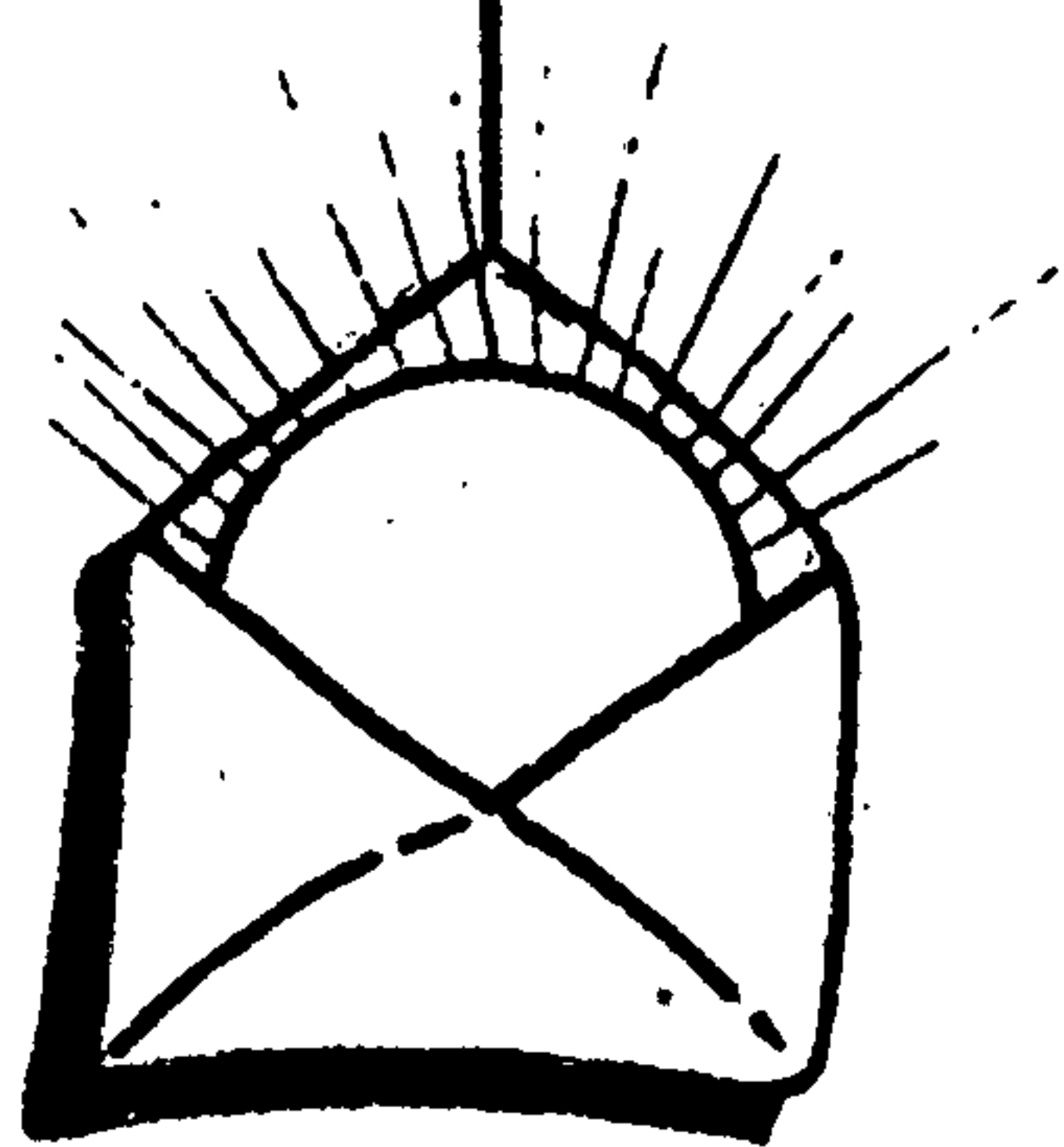
در مقابل این نظریه، بعضی‌ها، می‌گویند: جهانی شدن، بانوگرایی و توسعه‌ی سرمایه‌داری همزمان بوده است، اما اخیراً، در آن، شتاب ناگهانی به وجود آمده است.

بعضی‌ها نیز عقیده بر این است که جهانی شدن، فرایند متأخر است که با سایر فرایندهای اجتماعی، نظیر فراصنعتی شدن، فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری همراه است.^۹

به نظر می‌رسد که حق، با نظر اول است. گرچه جهش و شتاب آن، همزمان با سرمایه‌داری و پیدایش وسائل ارتباط جمعی است. جهانی شدن، به طور نامنظم، از طریق توسعه‌ی امپراطوری‌های مختلف قدیمی و غارت و تاراج و تجارت دریایی و نیز گسترش آرمان‌های مذهبی، تحوّل یافته است. جهانی شدن به شیوه‌ای که امروز شاهد آن هستیم، از قرن پانزده و شانزده، یعنی آغاز عصر جدید، شروع شد. در اروپای قرون وسطی، حرکت جهانی شدن، بسیار کند بوده است و پس از انقلاب صنعتی است که این موضوع، شدت پیدا کرده است.

موافقان و مخالفان جهانی شدن

درباره‌ی جهانی شدن، دو نظر مخالف وجود دارد. عده‌ای بر موافقت و پذیرش بی‌چون و چرای آن تأکید دارند و عده‌ای هم بر رد آن، و هر کدام نیز برای خود به دلایلی تمسک کرده‌اند:



انظار

۱۹۳

سال سوم / شماره هفتم / بهار

دلیل موافقان

موافقان جهانی شدن، به پذیرش آن، بدون هیچ دغدغه و نگرانی، دعوت می کنند و می گویند، جهانی شدن، به کشورهای فقیر کمک می کند و فرصت های تازه ای برای آنان فراهم می کند آنان می گویند، با توجه به ارتباطی که بین اقتصاد و فن آوری وجود دارد، راهی جز پذیرش جهانی شدن به عنوان ویژگی عصری که در آن زندگی می کنیم، وجود ندارد.

اینان، برای صحت مدعای خود، دلیل هایی دارند که به آن ها اشاره می شود:

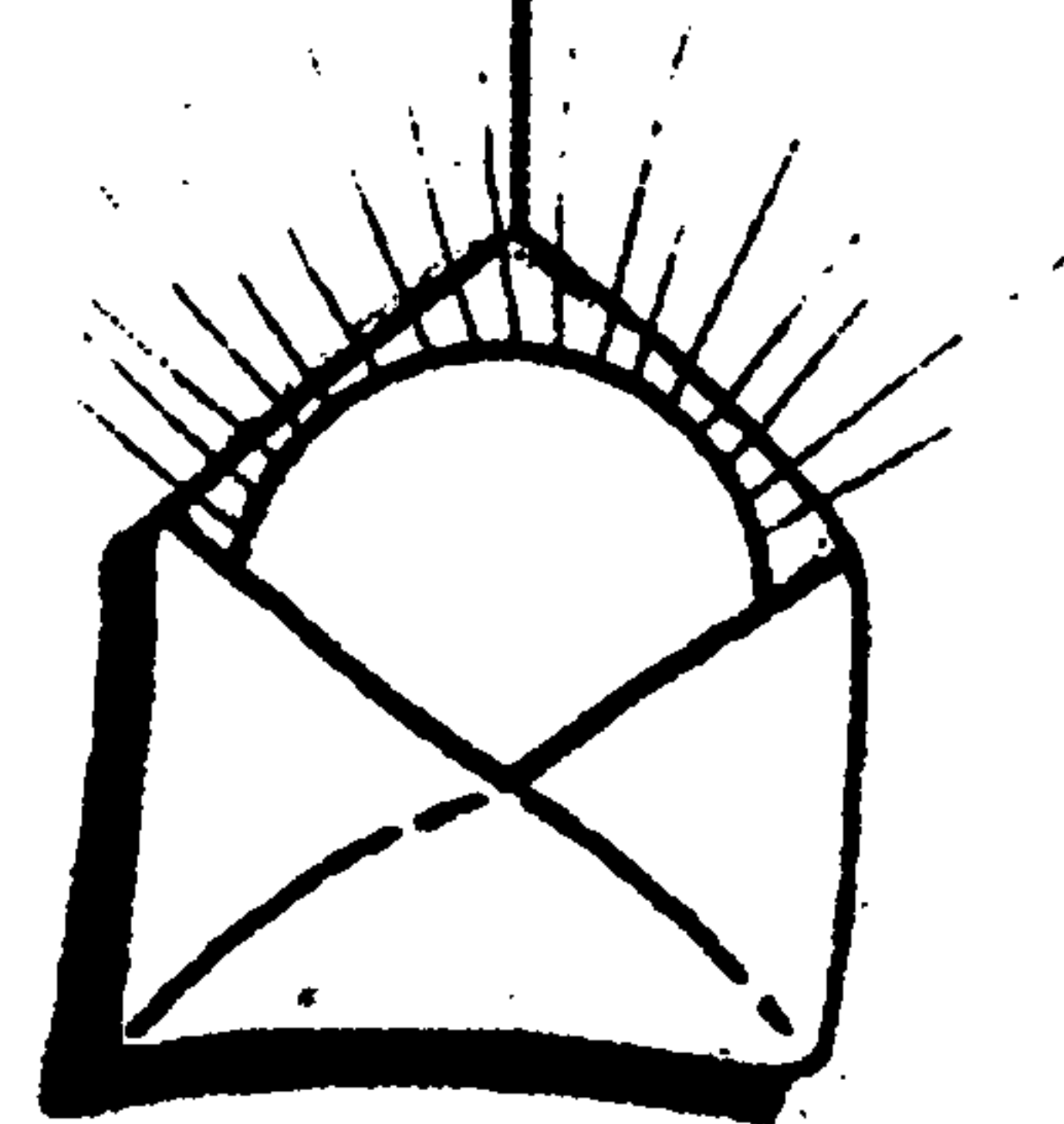
۱. از آغاز دهه ی هشتاد میلادی، تعداد قابل توجهی از کشورها، به آن ملحق شده و یا به طور مستقیم از طریق اقتصاد بازار آزاد، از آثار آن بهره مند شده اند. برای مثال، گسترده ی جهانی نظام سرمایه داری، از بیست درصد سکنه ی دنیا در دهه هفتاد میلادی به میزان نود درصد در دهه ی نود میلادی رسیده است و این اتفاق، حاکی از جذب بیش تر مردم در اقتصاد سرمایه داری جهانی است.

۲. در شرایط کنونی، میزان تجارت جهانی، بیش تر از دهه های قبل است. کاهش قابل توجه در قیمت مسافرت های هوایی و دریایی به گسترش بیش از پیش مرزهای تجارت جهانی منجر شده است. در این چهارچوب، نه تنها میزان تجارت جهانی، افزایش بی سابقه یافته است، بلکه شکل آن نیز دچار دگرگونی کامل شده است.

۳. بازارهای مالی جهانی، رشد کرده است، این رشد از دهه ی هفتاد میلادی، با سودآوری قابل توجه بازارهای مالی ساحلی و گردش وسیع جریان پولی خارج از حوزه ی اقتدار ملی، همراه شده است.

۴. تحرک جهانی به تحرک جمعیت کمک کرده است. پناهندگان بی شماری به عنوان نیروی کار مهاجر قابل توجه، در جهان پراکنده شده اند.

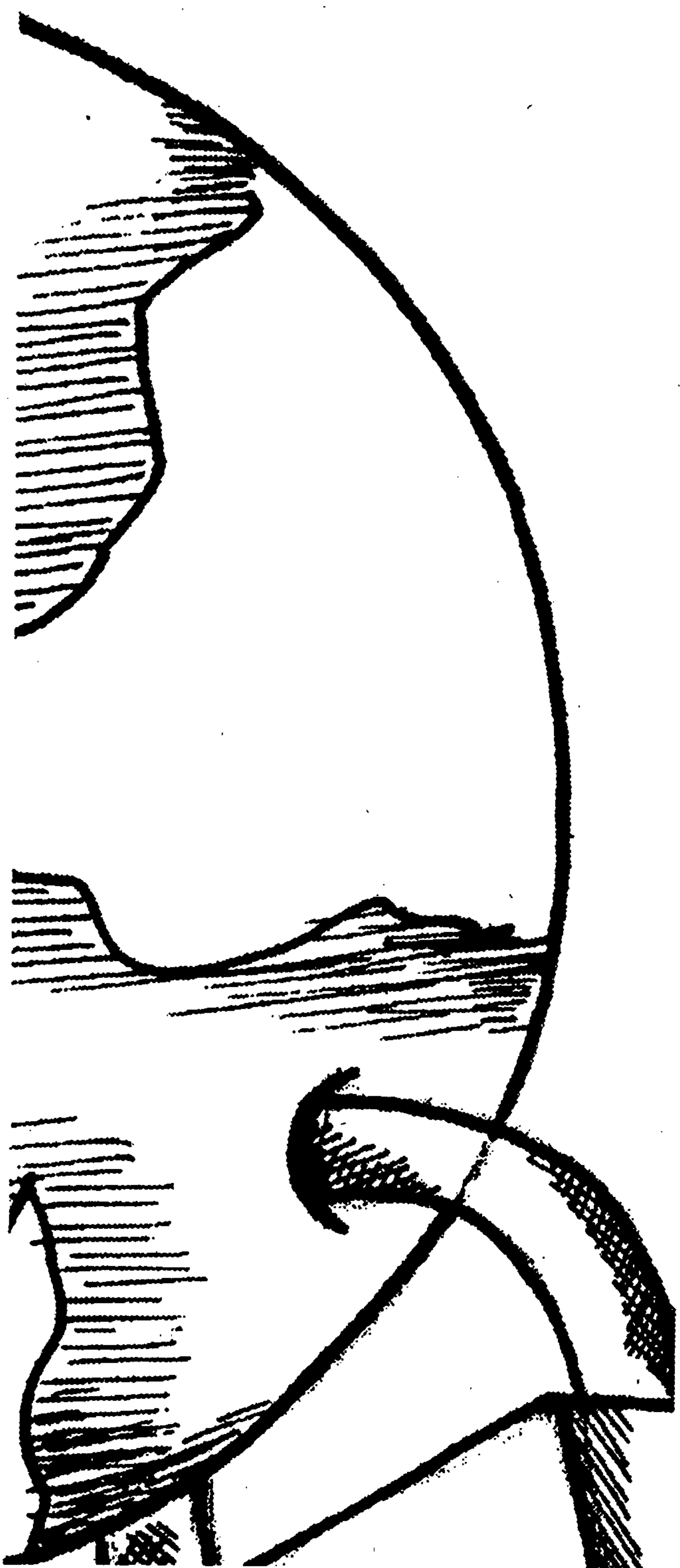
۵. هر چند شرکت های چندملیتی تادهه ی هفتاد میلاد، شکلی مطلق و متصلب داشتند، اما در حال حاضر، شیوه و شکل جدیدی از مؤسسه های جهانی پیدا شده اند که با



انظار

۱۹۴

سال سوم / شماره هفتم / بهار



بسط تجارت در سرتاسر دنیا، تحقیقات وسیعی در زمینه‌ی توسعه‌ی تولید در مناطق مختلف را با پذیرش سهامداران از سرتاسر جهان ممکن کرده‌اند.

۶. جهانی شدن، فرایندی از یک توسعه‌ی اجتماعی است که به تشدید خود آگاهی جهانی منجر می‌شود.

۷. روند رو به رشد همبستگی اقتصادی، در آینده، منجر به وابستگی‌های اجتماعی خواهد شد.

۸. با توجه به رشد پیچیده و روز به روز ارتباطات، خود آگاهی جهانی، شدت پیدامی‌کند بنابراین، نایستی رشد شبکه‌های ارتباطی جهان گستر، مثل کابل‌های تلویزیونی و شبکه‌های آماری را انکار کرد و اهمیت آن را نادیده گرفت.^{۱۰}

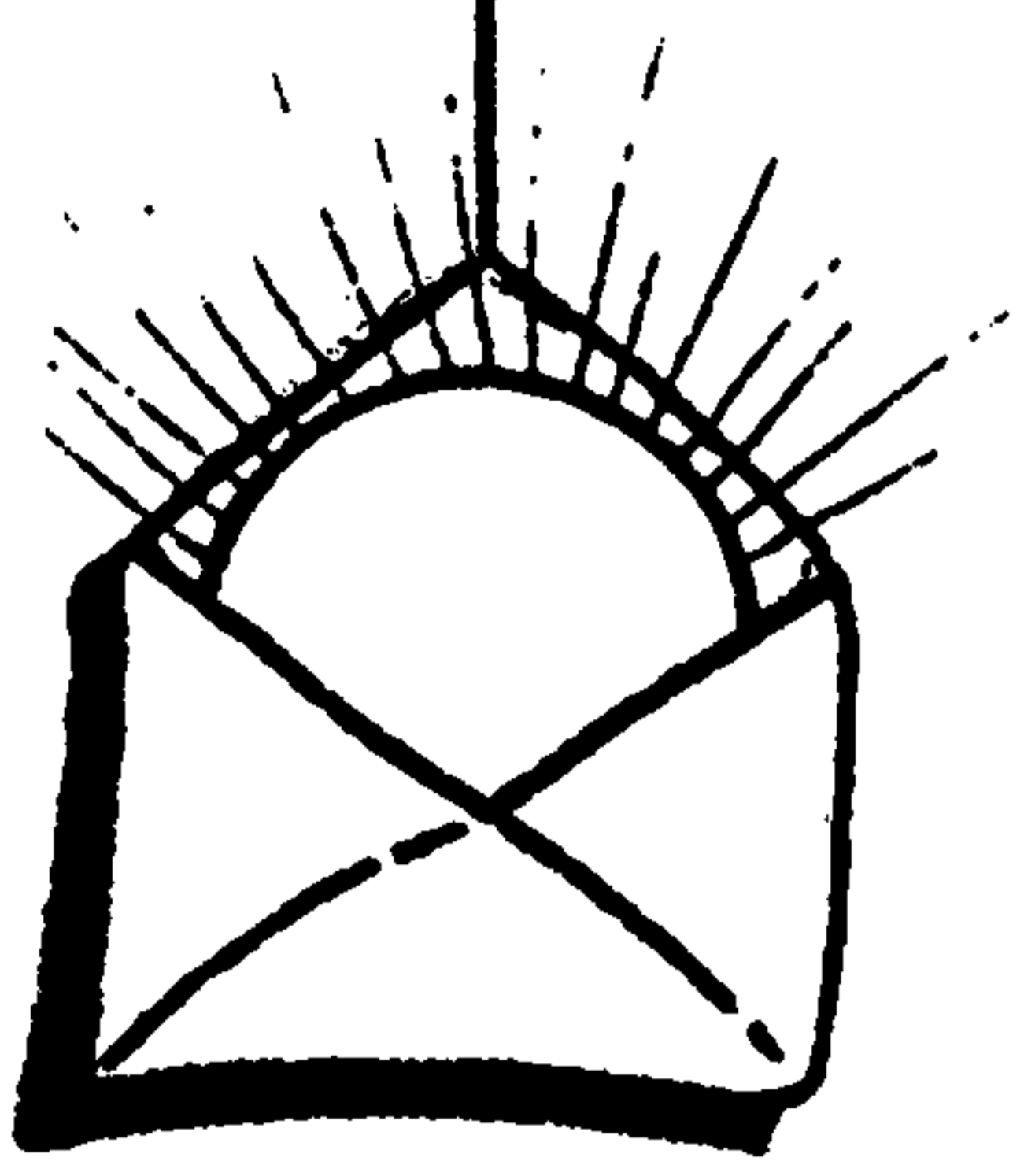
۹. باز شدن اقتصادها و فرهنگ‌های ملی در ابعاد داخلی و خارجی، رشد منطقه‌گرایی در پی تهدید بازار ملی کشورها، ایجاد محیطی کاملاً رقابتی، تحریک احساسات ملی و محلی، رونق پیدا کردن برخی شهرها و واحدها منطقه‌ای به عنوان مراکز اقتصادی جهان، افزایش بهره‌وری، بهبود شرایط زندگی برای عموم مردم، به طور کلی، و برای عده‌ای بیش از دیگران، انتقال فن آوری به کشورهای در حال توسعه و... از دیگر دلیل‌های اینان است.

مخالفان

دلیل مخالفان، در مورد فوائد و منابع بر شمرده شده درباره‌ی جهانی شدن. تردید دارند و معتقدند، این پدیده، بر ایده‌تولوژی و مفاهیم لیبرالیزم استوار است و هدف‌اش، تحمیل الگوی آمریکایی و سلطه‌ی آمریکا بر جهان است و تنها منافع ایالات متحده و همراهان او و کشورهای پیشرفته را تأمین می‌کند. در این شکل از جهانی شدن، تنها بیست درصد جمعیت بهره‌مند، و هشتاد درصد بقیه، در حاشیه هستند و این امر با مفهوم نظام جهانی متوازن، سازگار نیست، بلکه معنای سیطره و تحکم و سلطه‌گری از آن استفاده می‌شود.

جهانی شدن فرهنگی، یعنی سیطره‌ی فرهنگ غربی بر دیگر فرهنگ‌ها، و این، یعنی اوج سیطره‌ی استعماری.

به هر حال، در جمع‌بندی نهایی، آثار منفی جهانی شدن را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:



۱. بحران دولت ملی که منظور از آن، مسلط نبودن دولت بر منابع درآمد خود و دست برداشتن دولت از نقش های اقتصادی و اجتماعی خویش است. در نتیجه، جهانی شدن اقتصاد حاصل می شود و شرکت های چند ملیتی، به نیابت از دولت ملی، به آن نقش ها می پردازند.

۲. بحران های مالی که کشورهای گوناگون جهان، به خاطر وحدت بازار مالی و معاملات جهانی بورس دچار آن می شوند، از دیگر آثار منفی است. اوکین آن ها بحران مالی مکزیک در سال هزار و نهصد و نود و چهار میلادی و آخرین مورد آن، بحران مالی در کشورهای جنوب شرق آسیا بود. این بحران ها، تا این تاریخ ادامه دارد.

۳. پیامدهای اجتماعی ناشی از اصلاحات ساختار اقتصادی مورد نظر مؤسسات بین المللی، از جمله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مانند گسترش بیکاری، گسترش فقر، پائین آمدن دستمزدها.

۴. تسلط فرهنگ غربی بر دیگر فرهنگ ها به شکل تلاش برای مسخ کردن هویت فرهنگی ملت های دیگر و مطرح کردن فرهنگ غربی (با جنبه های مثبت و منفی آن) به عنوان جایگزین.

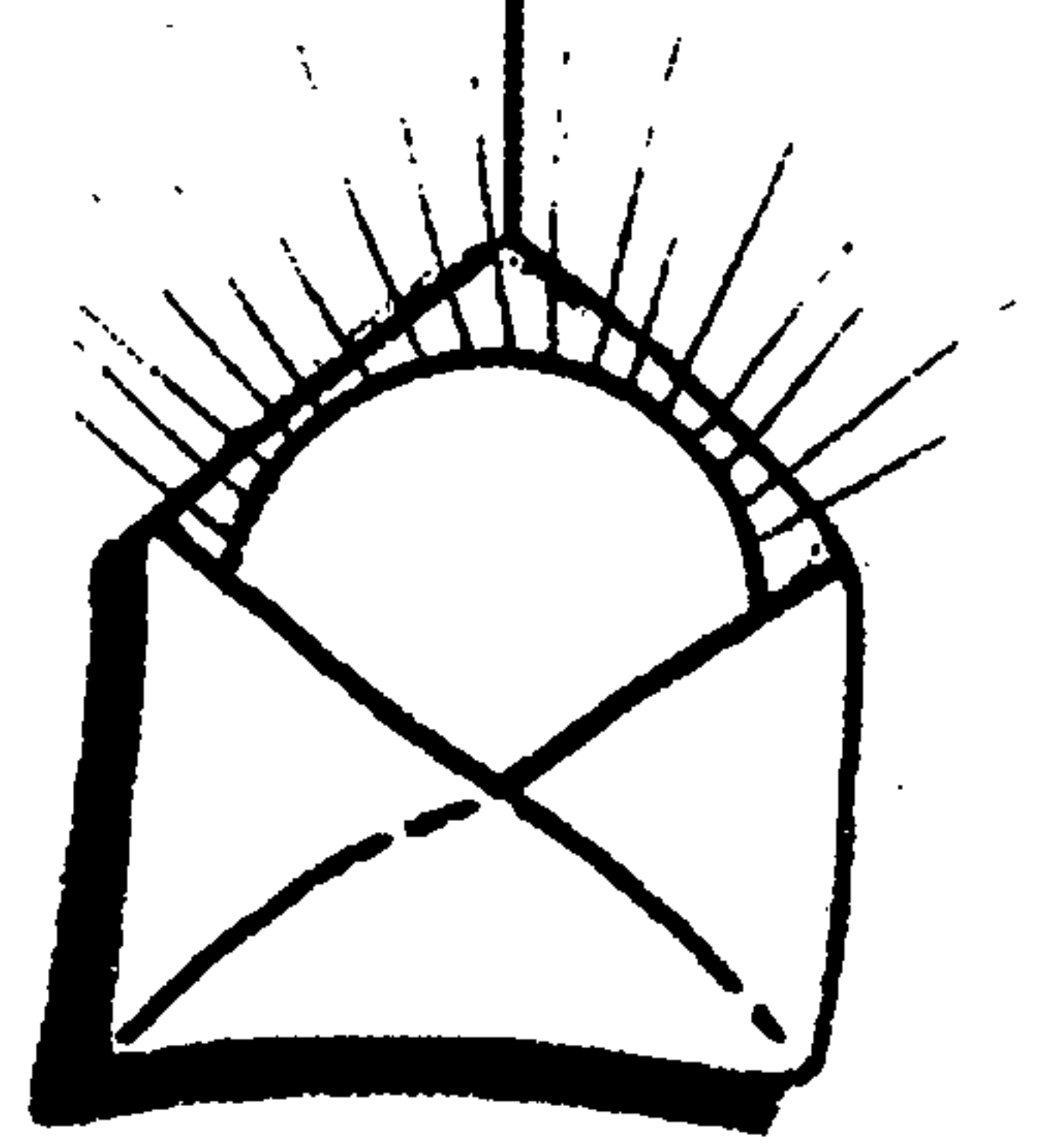
۵. موافقت نامه هایی که کشورهای پیشرفته مطرح کرده اند که مهم ترین آن ها، موافقت نامه ی آزادی سرمایه گذاری است. این موافقت نامه، به سرمایه گذاری خارجی در نقاط

مختلف جهان آزادی می بخشد، و معنای آن، تسلط کشورهای پیشرفته بر ثروت های کشورهای در حال رشد است؛ چون، این کشورها، از لحاظ اقتصادی و مالی و فن آوری، هموزن و همپایه نیستند.

۶. جهانی شدن، سبب کاهش اهمیت کالاهای اولیه (مواد اولیه) می شود.

۷. جهانی شدن، به افزایش فاصله و نابرابر میان ملت ها و مناطق گرایش دارد. از این روبه عنوان یک ساختار در دست قدرت مندان اقتصادی، آنان را قدرت مندتر و فقرا را فقیرتر می کند.

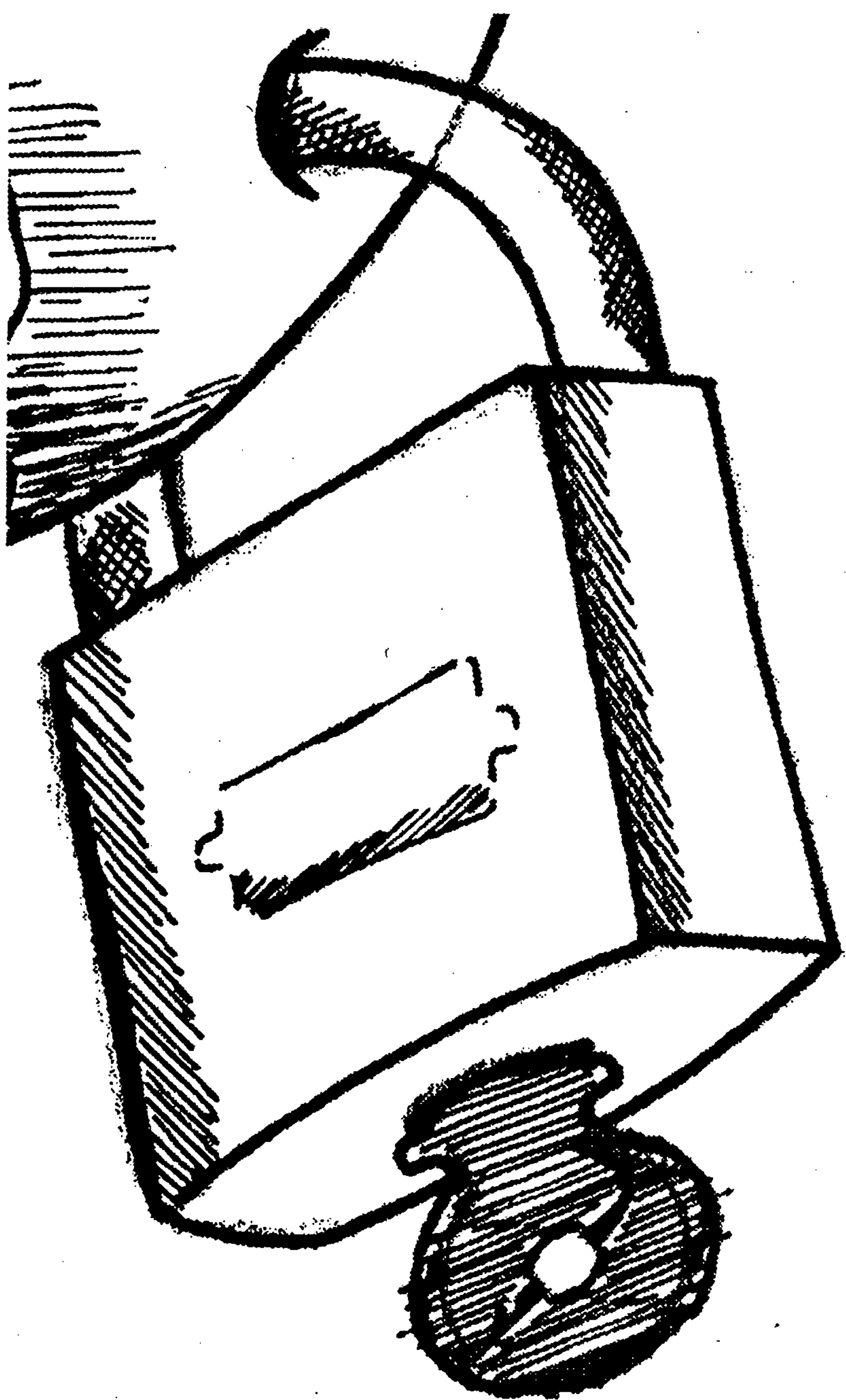
۸. جهانی شدن، سبب به مخاطره افتادن



انظر

۱۹۶

سال سوم / شماره هفتم / بهار



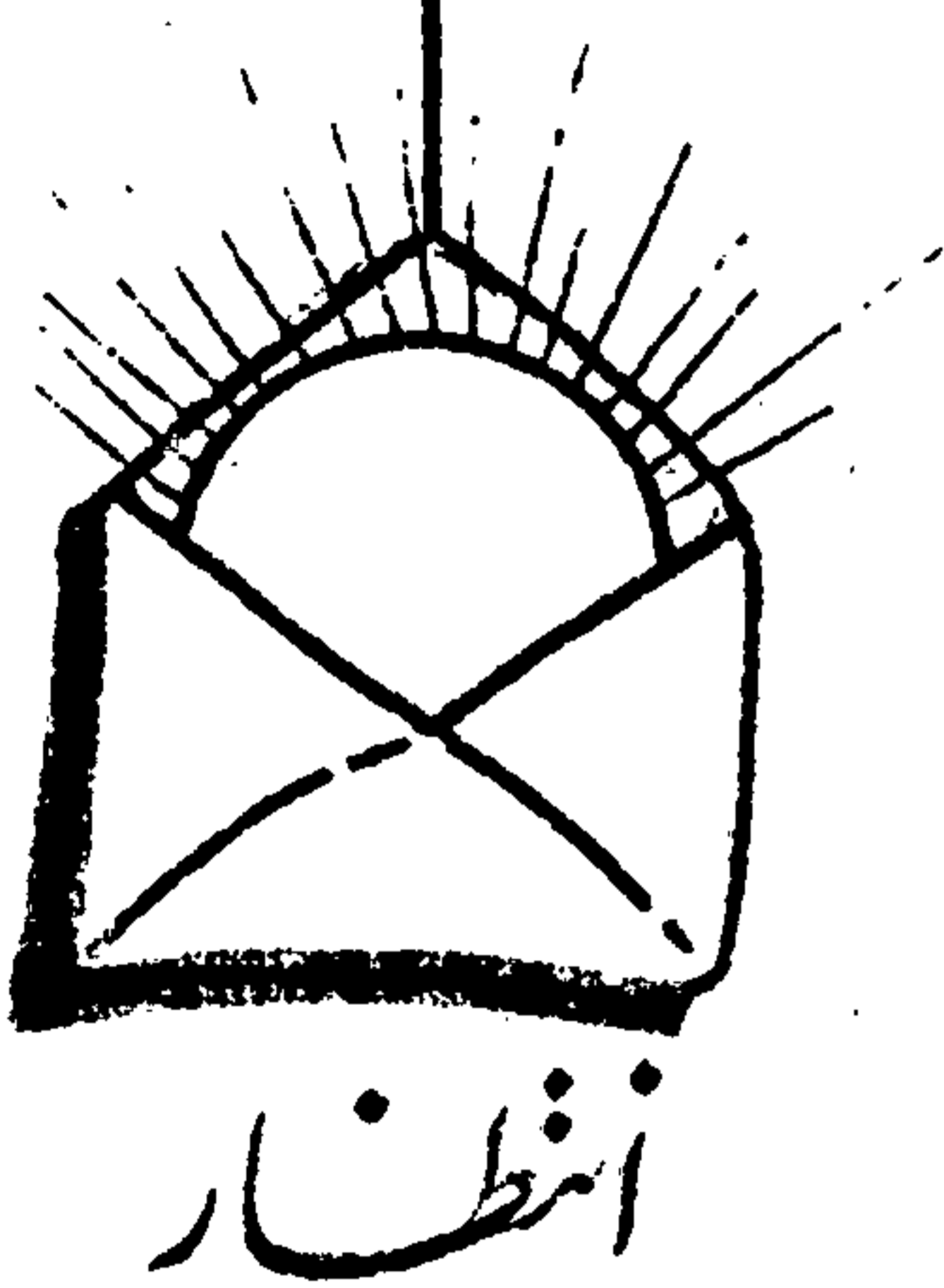
محیط زیست می شود.

جهانی سازی

جهانی سازی یا به تعبیر دیگر جهانی کردن اقتصاد و فرهنگ و سیاست، غیر از جهانی شدن به صورت طبیعی است؛ زیرا، جهانی شدن تا آن جا که مربوط به پیشرفت های فنی و علمی و اجتماعی، و متناسب با وضعیت تاریخی و اجتماعی بشر امروز است، امری قابل فهم و طبیعی است، اما آن چه امروزه از جهانی شدن اراده می شود، تنها این امر طبیعی نیست، بلکه ورای این اصطلاح و فرایند و حرکت، یک اراده وجود دارد و آن، این است که نوعی روش و منش و سیاست و منافع، به عنوان روش و منش و منافع جهانی بر بشریت تحمیل می شود. البته، این، امری خطرناک است؛ زیرا، می خواهد یک نوع منافع و یک نوع بینش را به عنوان الگو معرفی کند و همه ی زندگی و جهان را با یک معیار خاص اندازه گیری کند. عدم تساوی دولت ها و ملت ها، سبب می شود تا آنان که صاحب علم و فن آوری هستند، یک امر غیر طبیعی را بر کشورهای دارای اقتصاد ضعیف تر تحمیل کنند و سعی کنند جهان بر مدار منافع آنان بچرخد.

آمریکا و قدرت های بزرگ دیگر، با دارا بودن توانایی های سیاسی و اقتصادی و نظامی، در عمل، رهبری جهانی سازی را به دست گرفته اند و سوار بر این جریان طبیعی جهانی شدن، می خواهند آن را به سود خود عملی سازند. به تعبیر دیگر، دارند از این جریان طبیعی جهانی شدن، سوء استفاده می کنند. به خاطر همین سوء استفاده ها است که در باره ی جهانی شدن، پرسش های بسیاری مطرح می شود: «آیا جهانی شدن، یک پدیده ی طبیعی است که در اثر پیشرفت علم فن آوری به وجود آمده یا پدیده ای طراحی شده از سوی سرمایه داری و سرمایه داران است؟ آیا همه ی کشورها، ناگزیرند به این جریان پیوندند یا راهی برای گریز وجود دارد؟ در این صورت، آیا پیوستن به آن، به نفع کشورهای در حال توسعه است یا نه؟ آیا جهانی شدن یا جهانی سازی، با آموزه های اسلام سازگار است یا ناسازگار؟».

با دقت در ساز کارهای جهانی شدن و جهانی سازی، روشن می شود که جهانی شدن، امری طبیعی است و پیوستن به آن، مانعی ندارد، بلکه به نفع همه ی کشورها است، ولی آن چه امروزه در جهان مشاهده می شود، جهانی سازی است که همراه با بی عدالتی و تجاوز و تحمیل اقتصاد



انظار

۱۹۷

سال سوم / شماره هفتم / بهار

و فرهنگ و سیاست خاص بر جهان است. آن چه صاحب نظران را وادار به مخالفت می کند و مردم را علیه آن به تظاهرات وامی دارد، جهانی کردن است نه جهانی شدن.

۲- حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

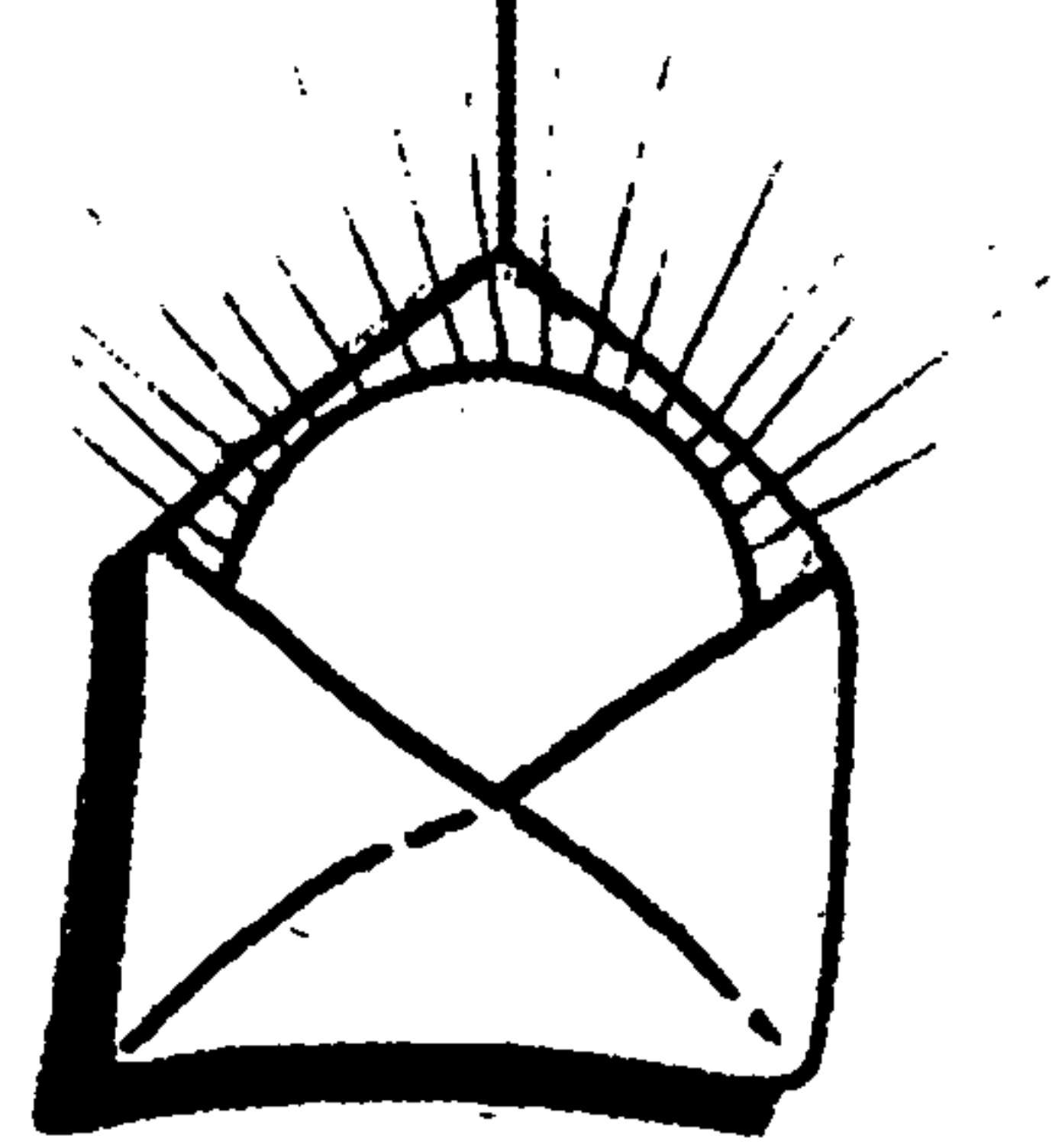
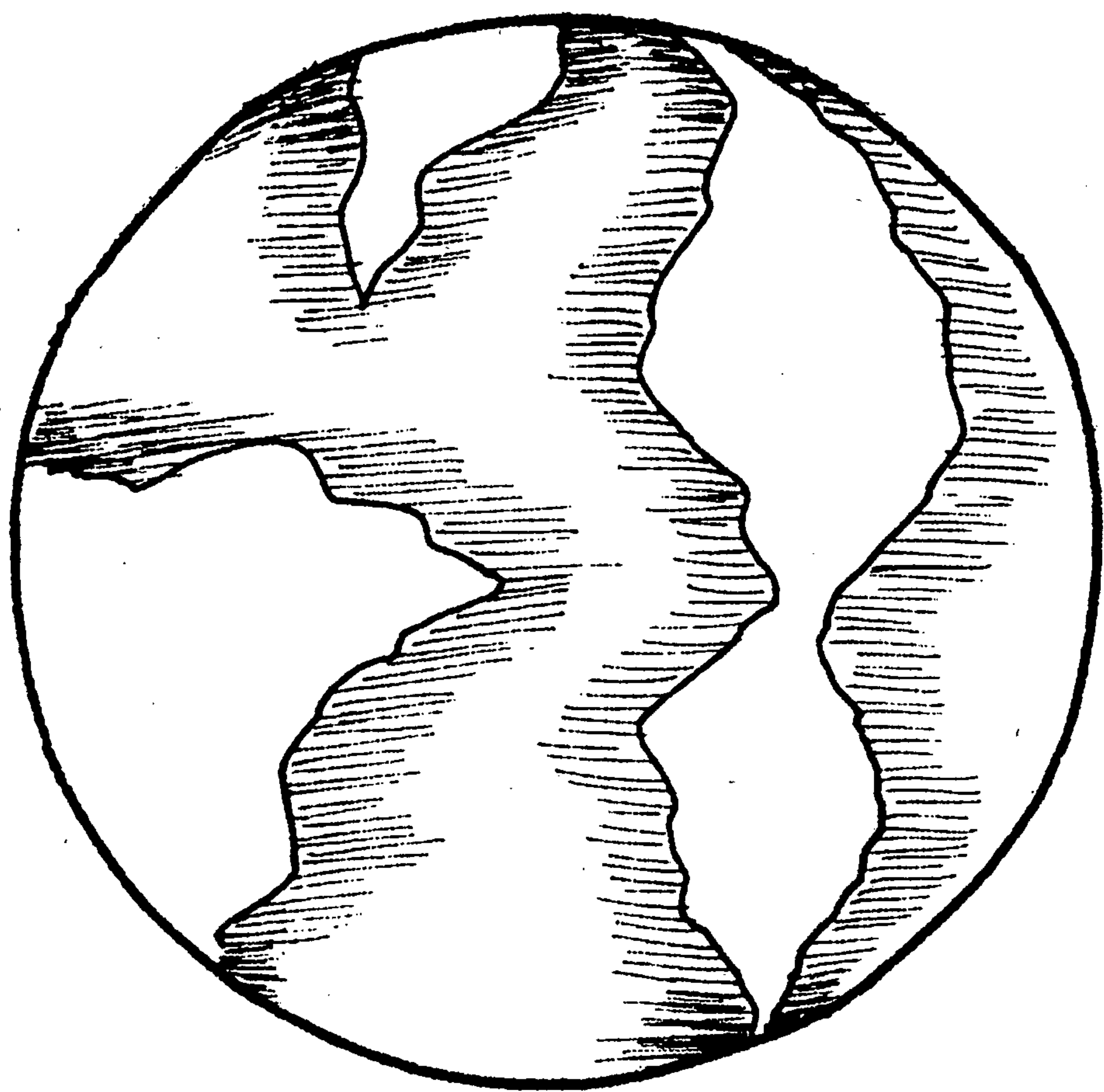
حکومت واحد جهانی امام محمد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حقیقت، پاسخی است به نگرانی بشر از آینده‌ی خود. شیعیان، آینده‌ی روشنی را برای زندگی انسان پیش بینی می کنند و امید به زندگی در قالب «انتظار فرج» به زندگی شیعیان، معنا و گرمی می بخشد. یک شیعه، هیچ گاه از آینده‌ی خود نگران نیست، چنان که اکثر متدینان به ادیان نیز نگران نیستند و آینده‌ی بشر را تحت لوای مصلح کل، روشن می بینند، ولی آموزه‌های شیعی این امتیاز را دارد که از روشنی و وضوح فراوان برخوردار است.

با دقت در دعوت و آموزه‌های اسلام، معلوم می گردد که هدف اش متحد کردن ملت‌ها و برداشتن دیوار امتیازات و اعتبارات لغو و بی اثر و برقرار کردن کلمه‌ی واحد و همکاری و ارتباطی است که ریشه و پایه آن، کلمه‌ی توحید و ایمان و عقیده به آن است.

اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، با عقیده‌ی توحید از میان بردارد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتی باید اختلافات دینی هم، کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم فرمان خدا باشند: (قُلْ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...)^{۱۲} اسلام، برای بشر، رسیدن به چنین روزی را پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه‌ی تشریح

است، مقدمات آن را نیز فراهم ساخته و عملی شدن آن را موعول به آماده شدن زمینه‌ی کامل آن کرده است.

همان طور که در مطلب پیشین (جهانی شدن) اشاره شد، جریان اوضاع جهانی و پیشرفت‌هایی که نصیب بشر در امور مادی و صناعی شده است و روابط نزدیکی که به واسطه‌ی وسائل ارتباط کنونی با هم پیدا



انتظار

۱۹۸

سال سوم / شماره هفتم / بهار

کرده‌اند، همه را به یک اتحاد واقعی و همکاری صمیمانه‌ی روحانی و برادری حقیقی بیش‌تر محتاج کرده است. هر چه جلوتر برویم، این احتیاج را بیش‌تر احساس می‌کنیم؛ یعنی، آن دهکده‌ی جهانی که دانشمندان غربی در قرن بیستم احتمال آن را داده‌اند، اسلام، در هزار و چهارصد سال قبل، با تأکید فراوان و قطعیت و حتمیت، آن را خبر داده و حتی کیفیت وقوع آن و نحوه‌ی حکومت در آن دهکده‌ی جهانی و رهبری آن نظام را به طور وضوح و آشکارا، معین کرده است و خبر داده که دین حاکم در آن حکومت جهانی، اسلام، و پیروزی از آن مستضعفان و صالحان و غلبه‌ی ایمان بر کفر است و حاکم آن حکومت، شخصی از تبار ابراهیم و نبیره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزند زهرا و علی (سلام الله علیهم) است و نام او، «محمد» و کنیه‌ی او «ابوالقاسم» و لقب او، «قائم» است.

اینک به برخی از آیات و روایات این موضوع و این که «روزی خواهد آمد که دین غالب در روی کره‌ی زمین، دین اسلام است» و «پیروزی از آن مستضعفان است» و «صالحان وارث زمین‌اند» و «در همه‌ی جای کره زمین، عدل حاکم خواهد شد» و «این که همه‌ی دین‌ها در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود»، اشاره می‌کنیم و تفصیل آن را به کتب مفصل و امی گذاریم.

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)^{۱۳}؛ در زبور داوود نوشته‌ایم که صالحان از بندگان من، وارث زمین خواهند شد.

در تفسیر مجمع البیان طبرسی، ذیل این آیه، از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت فرمود: «وَهُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ آنان، همان یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان‌اند».

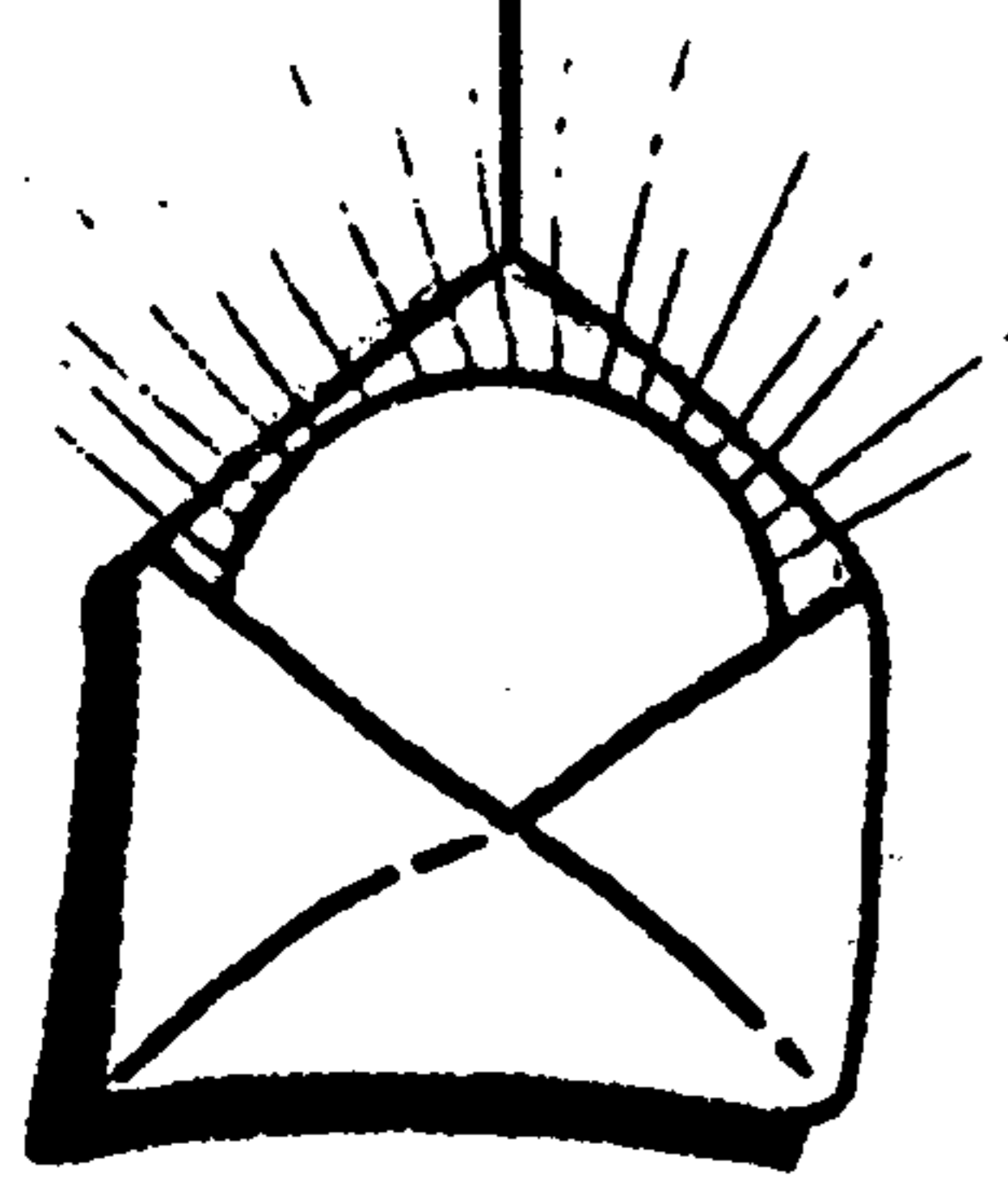
(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ

مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...)^{۱۴}

در این آیه‌ی شریف، سه وعده‌ی صریح به مؤمنان وارسته و دارای عمل صالح داده شده است:

۱. استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت، در کل کره‌ی زمین. به عنوان نمایندگی خدا که حکومت حق و عدالت است.

۲. تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه‌ی زمین.



انظار

۱۹۹

سال سوم / شماره هفتم / بهار

۳. تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی، برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه ی روی زمین.

در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه از امام زین العابدین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «هُمُ وَاللَّهِ! شِيعَتُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَالِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِّنَّا وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ این گروه به خدا قسم! همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله ی مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می بخشد و او، مهدی این امت است.»

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛^{۱۵} خداوند، رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق او، بر همه ی ادیان، غالب آید. هر چند مشرکان به این کار راضی نباشند.

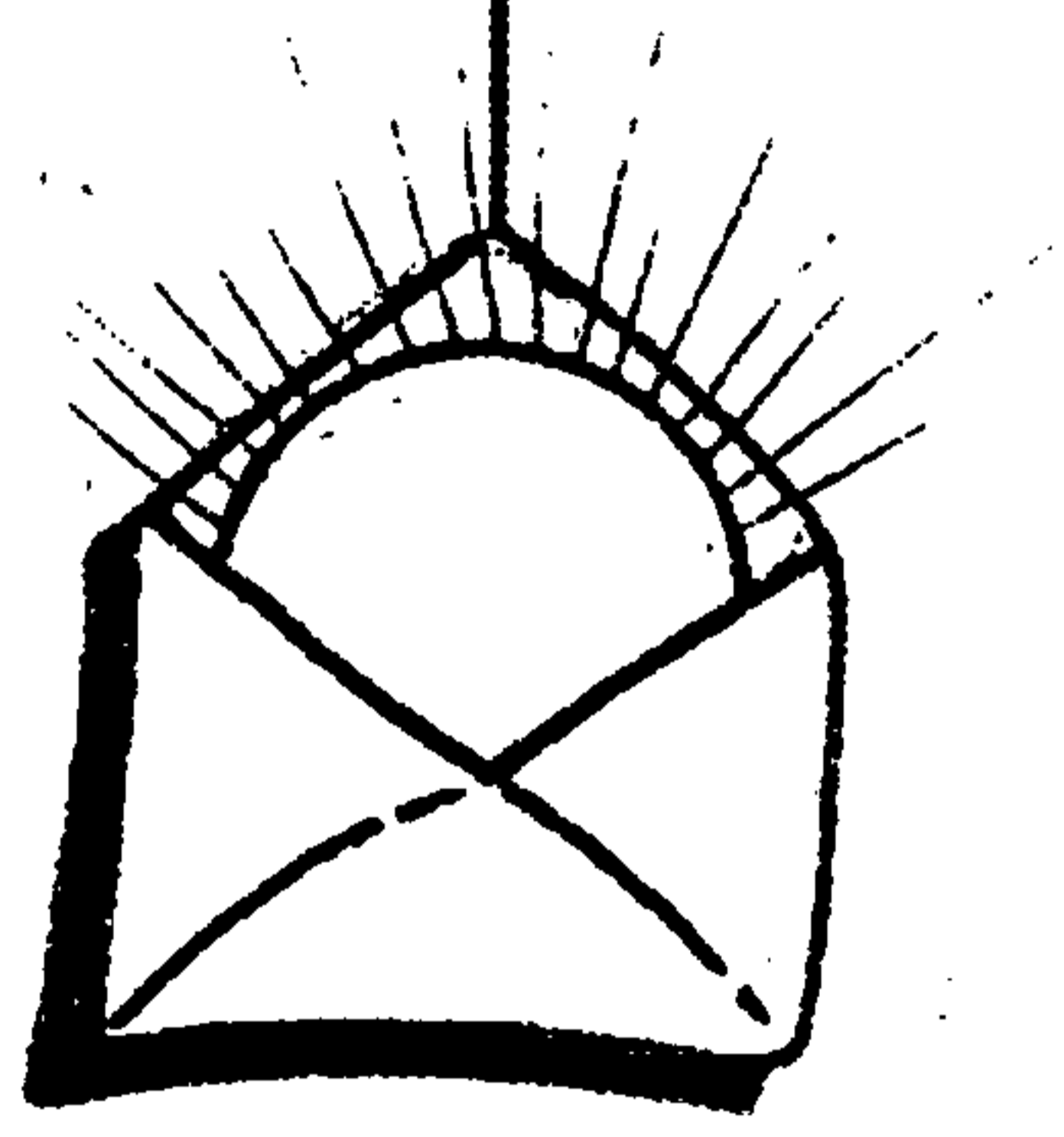
در روایت آمده که علی (علیه السلام) هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسید: «آیا این پیروزی حاصل شده است؟». گفتند: «آری». فرمود: «كَلَّا! هُوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَيُنَادِي بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكْرَةً وَعَشِيًّا؛ نه! سوگند به کسی که جانم به دست او است! این پیروزی، آشکار نمی شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند، مگر آن که صبح و شما بانگ لا اله الا الله از آن به گوش رسد.»^{۱۶}

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «أَنَّ ذَالِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ؛ این پیروزی، به هنگام قیام است.»

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
از آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)
خواهد بود؛ آن چنانکه هیچ کس در
جهان باقی نمی ماند مگر آن که اقرار
به رسالت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)،
خواهد کرد.»

از این آیات و روایات به روشنی
استفاده می شود که:

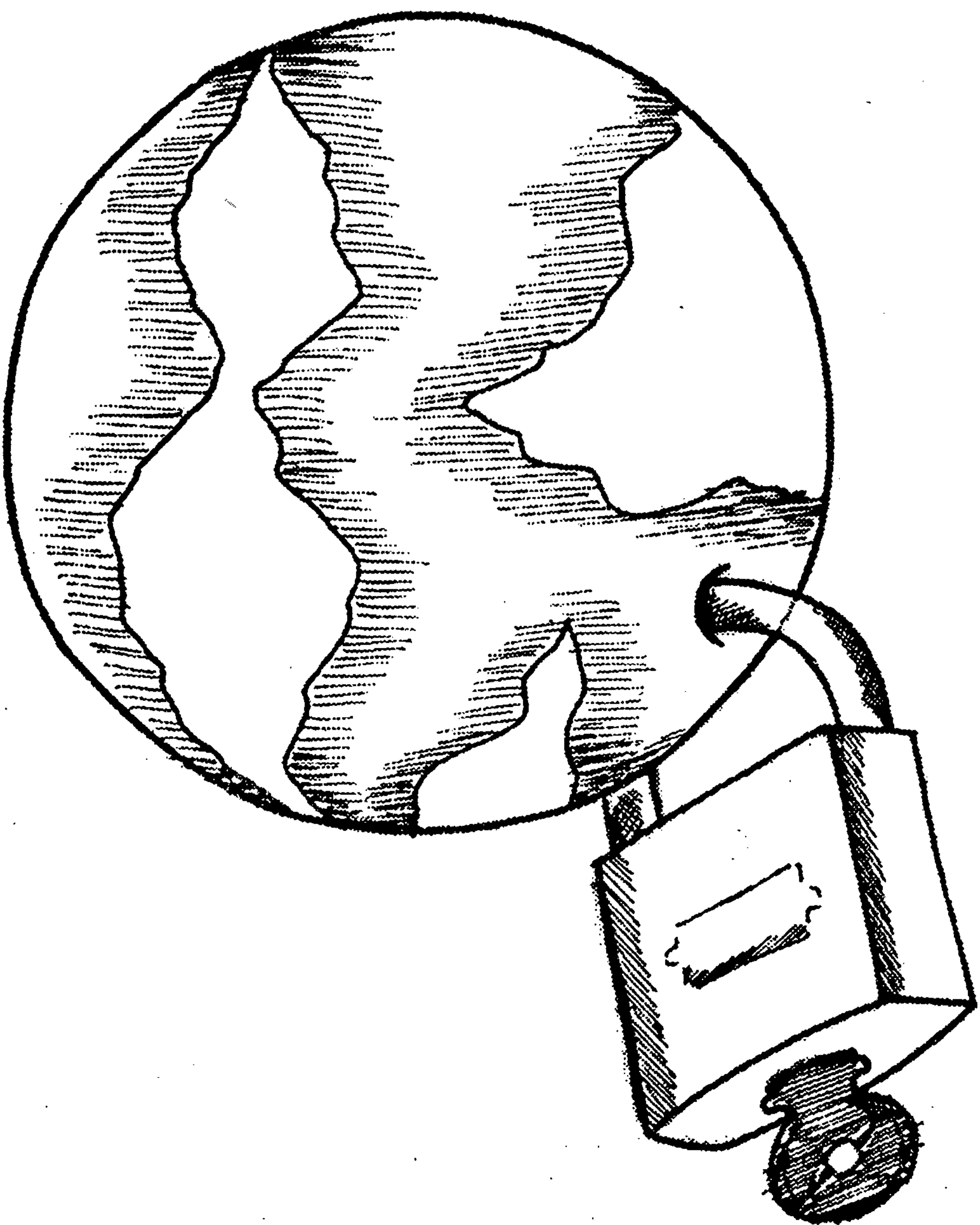
۱. سرانجام، صالحان اند که
وارث کل زمین اند، نه شرق یا غرب،



انظار

۲۰۰

سال سوم / شماره هفتم / بهار



جنوب یا شمال آن.

۲. افراد شایسته، جانشین پیشینیان در کل کره‌ی زمین‌اند و قدرت‌شان در همه جای عالم ظاهری می‌شود.

۳. دین اسلام غالب بر همه‌ی ادیان، در جای جای کره‌ی زمین حاکم خواهد شد.

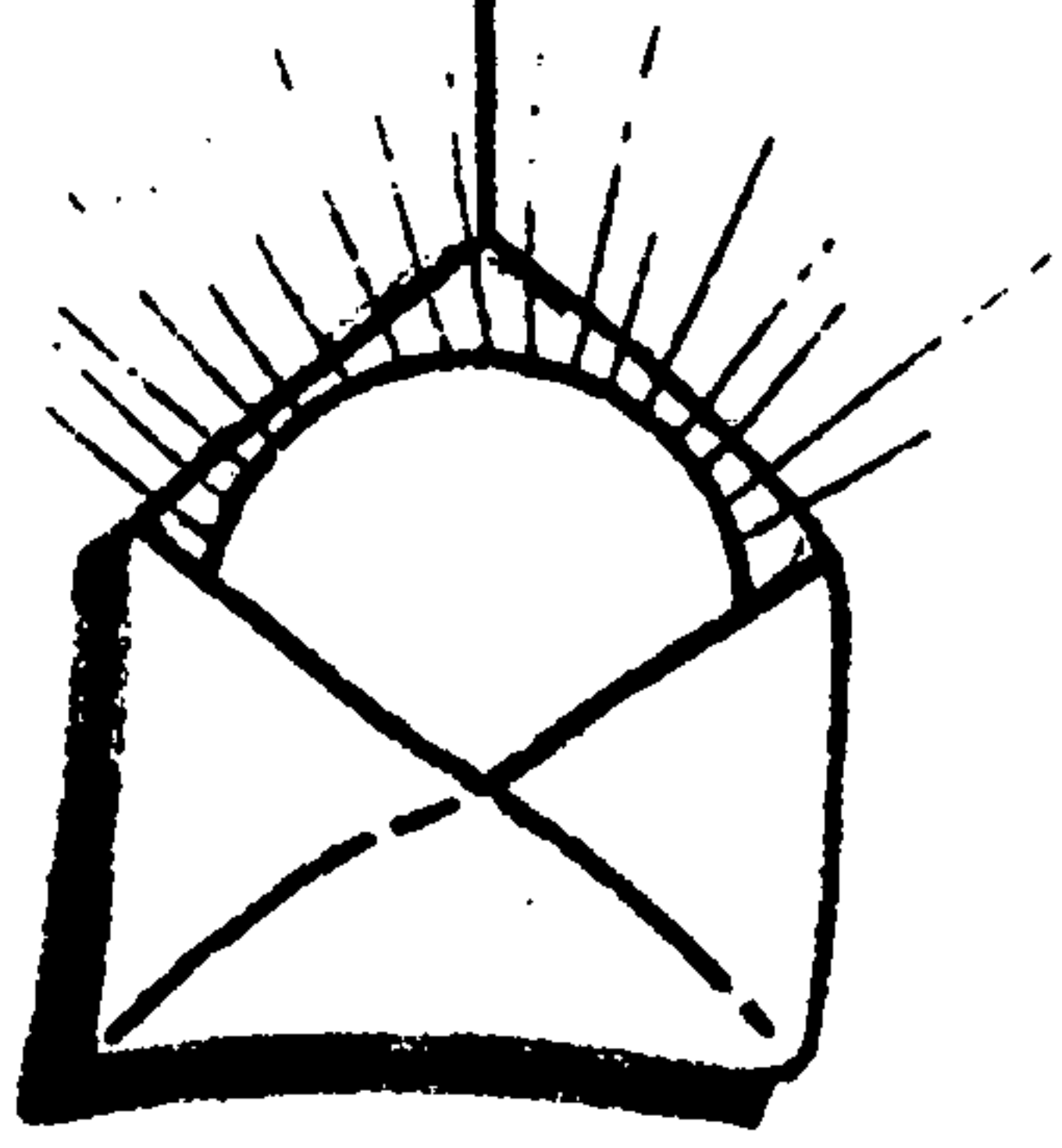
۴. همه‌ی این‌ها در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع خواهد شد.

نتیجه این که حکومت مهدی (علیه السلام) حکومتی جهانی خواهد بود و این حکومت واحد جهانی، جزء وعده‌های الهی است که تخلف ندارد؛ زیرا، *أَنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ*^{۱۷}. بنابراین، اعتقاد به تشکیل حکومت واحد جهانی، نشئت گرفته از قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است که خداوند وعده‌ی تحقق آن بر اداره و تخلفی نخواهد داشت.

۳. مقایسه و تمایز

پس از روشن شدن معنای جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اینک جای طرح سؤالاتی است که در مقدمه به آن‌ها اشاره شده است.

در پاسخ این پرسش‌ها می‌گوییم، یقیناً، نمی‌توان حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را منطبق با جهانی شدن دانست، هر چند اگر جهانی شدن به صورت طبیعی خود به پیش برود، می‌تواند زمینه‌ساز آن حکومت باشد، اما همین که صاحب نظران دنیا، در اصل تشکیل حکومت واحد جهانی، با اسلام مکتب تشیع هم‌نوا شده‌اند، خود، امری ارزش‌مند است؛ زیرا، تا دیروز، تشکیل حکومت واحد جهانی تحت نظر امام معصوم، برای دنیا قابل پذیرش نبود و آن را به صورت امری عجیب و باورنکردنی مطرح می‌کردند، ولی امروزه، خود، آن را به صورت قطعی و امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. بنابراین، جهان، به تدریج، خود را برای پذیرش حکومت واحد جهانی آماده می‌سازد، زمینه‌ی فکری بشر برای اجرای این طرح مهیامی شود. اگر تا دیروز، حکومت واحد جهانی، صرفاً یک عقیده‌ی اسلامی شیعی بود، امروز، آنان هستند که انسان‌ها را به پذیرش و اجرای این طرح که امری ضروری و حیاتی است، دعوت می‌کنند و موضوع جهانی‌سازی چیزی غیر از این نیست.



انتظار

۲۰۱

سال سوم / شماره هفتم / بهار

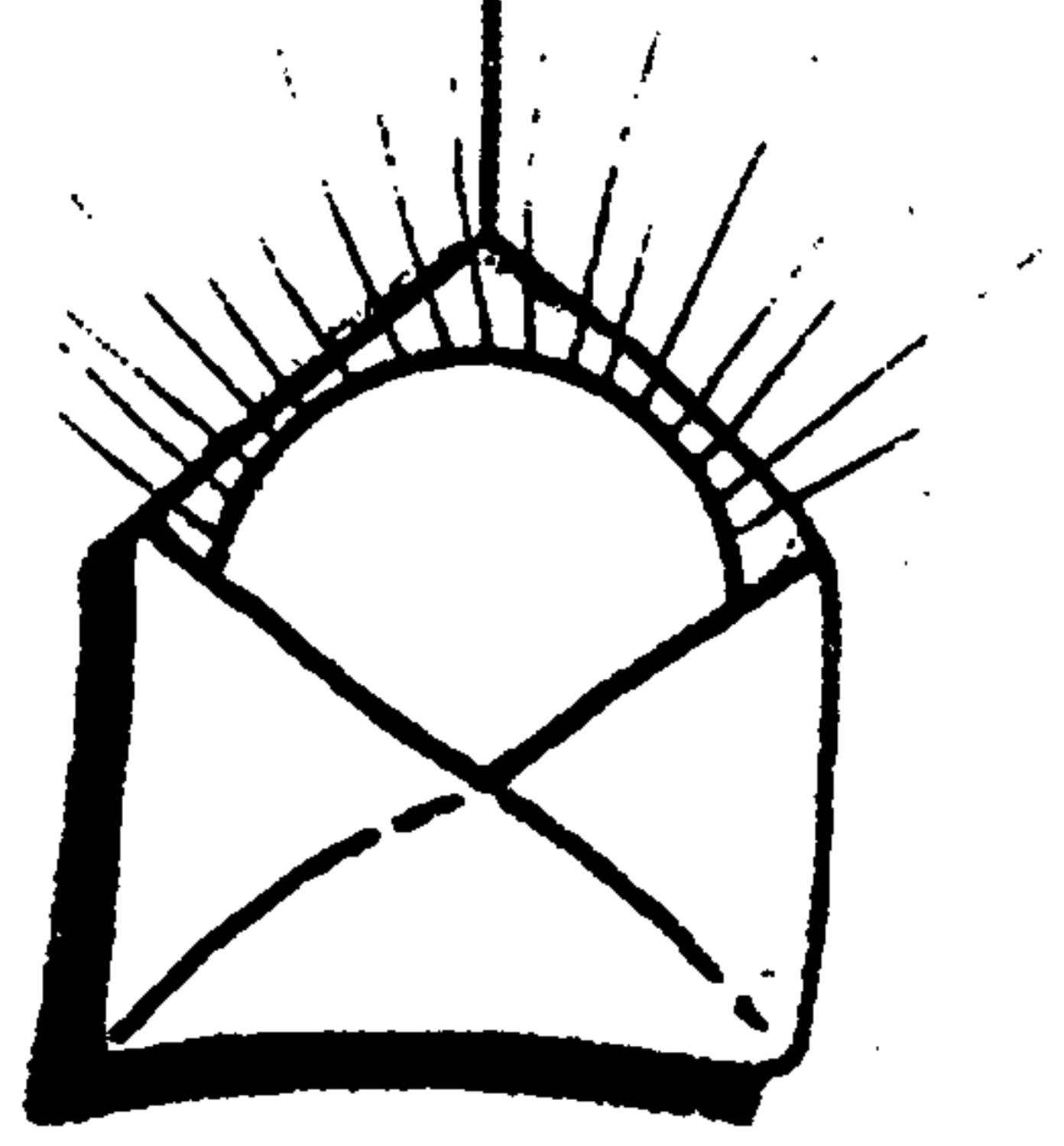
به هر حال، جهانی شدن، تنها در همین حد از انطباق کلی با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و گر نه کسی نمی تواند جهانی شدن را کاملاً منطبق با حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بداند. حکومتی را که اسلام مطرح کرد، دارای خصوصیتی است که اساساً در فکر محدود بشر نمی گنجد تا طرح آن را بدهد. بر فرض که حکومت پیشنهادی بشر، روزی در دنیا پیاده شود، یقیناً، همانند سایر سازمان های بین المللی، وسیله ای برای تسلط اقویا بر ضعفا و گسترش ظلم مدرن در عالم، و سرانجام، باعث زحمت و سلب آزادی و آسایش مردم خواهد بود؛ و بر این اساس ایمان به خدا و اعتقاد به روز جزا و اعتقاد واقعی افراد به حقوق و آزادی های دیگران، به وجود نمی آید. بنابراین، چنین حکومتی، نه به وجود می آید و نه بر فرض وجود، ضامن اجرایی خواهد داشت و نه شهوات و غرائز آدمی را که محرک او در جنگ و فتنه است، مهار می کند و نه می تواند یک برادری ایمانی و انسانی در عالم به وجود آورد، اما حکومت واحد جهانی که در اسلام مطرح است، هم ضامن اجرایی دارد و هم عقیده و ایمان از آن پشتیبانی می کند و هم مردم را برادر می سازد و هم غرائز و امیال را راهنمایی می کند.

در پایان، به برخی از امتیازات حکومت مورد نظر اسلام و بر حکومت جهانی در جهانی سازی دنیا، اشاره می کنیم:

۱. حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصوم اند، ایجاد می شود و قانون خدا در آن جامعه حاکم است، ولی حکومت واحد جهانی پیشنهادی، تحت نظر و اشراف قدرت مندان و زورمداران و ستمگران ایجاد می شود.

شاید این مدعا، «حق و تو»یی است که آنان برای خود در سازمان ملل گذاشته اند. توضیح آن که جهانی شدن، به سازمان ملل احتیاج دارد، لذا سازمان ملل به وجود آمد. طبیعی بود که در دنیای مرتبط و دنیایی که خطر جنگ و نزاع و کشمکش آن را تهدید می کرد، سازمان ملل برای پیشبرد اهداف اش نیاز به چیزی داشت که «منشور ملل» نام گرفت، ولی آنان دخالت کردند و حقوق بشری نوشتند که منافع ناعادلانه آنان را تأمین کند، قدرت هایی مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و... دست به دست هم دادند و امتیازی به نام «حق و تو» را برای خود قرار دادند. تا در مقابل تصمیمات عاقلانه ی دنیا که مخالف منافع آنان است، بایستند!

«حق و تو» حقی ظالمانه و خطرناک است که آنان برای خود قرار داده اند. در حکومت



انظر

۲۰۲

سال سوم / شماره هفتم / بهار

واحد جهانی و در خانواده‌ی بزرگ بشریت کسانی که سرتاپا اسیر هوای نفس اند و از لحاظ اخلاقی منحط و ذلیل اند و نمی‌توانند فراتر از تعصبات خود عمل کنند و بسیار مغرور و ظالم و متعصب اند و همه‌ی بشریت را در خدمت خود می‌بینند، «حق و تو» دارند. این حق و تو، سبب می‌شود که جهان را به دوران دیکتاتوری اول برگردانند و قانون جنگل را حاکم کنند که هر کس زورش بیش تر است، باقی بماند و ضعیف‌ترها نابود شوند؛ یعنی، همان چیزی که امروزه شاهد آنیم و «تو»هایی که امریکا به نفع اسرائیل و بر ضرر فلسطینیان ستمدیده در سازمان ملل اعمال می‌کند.

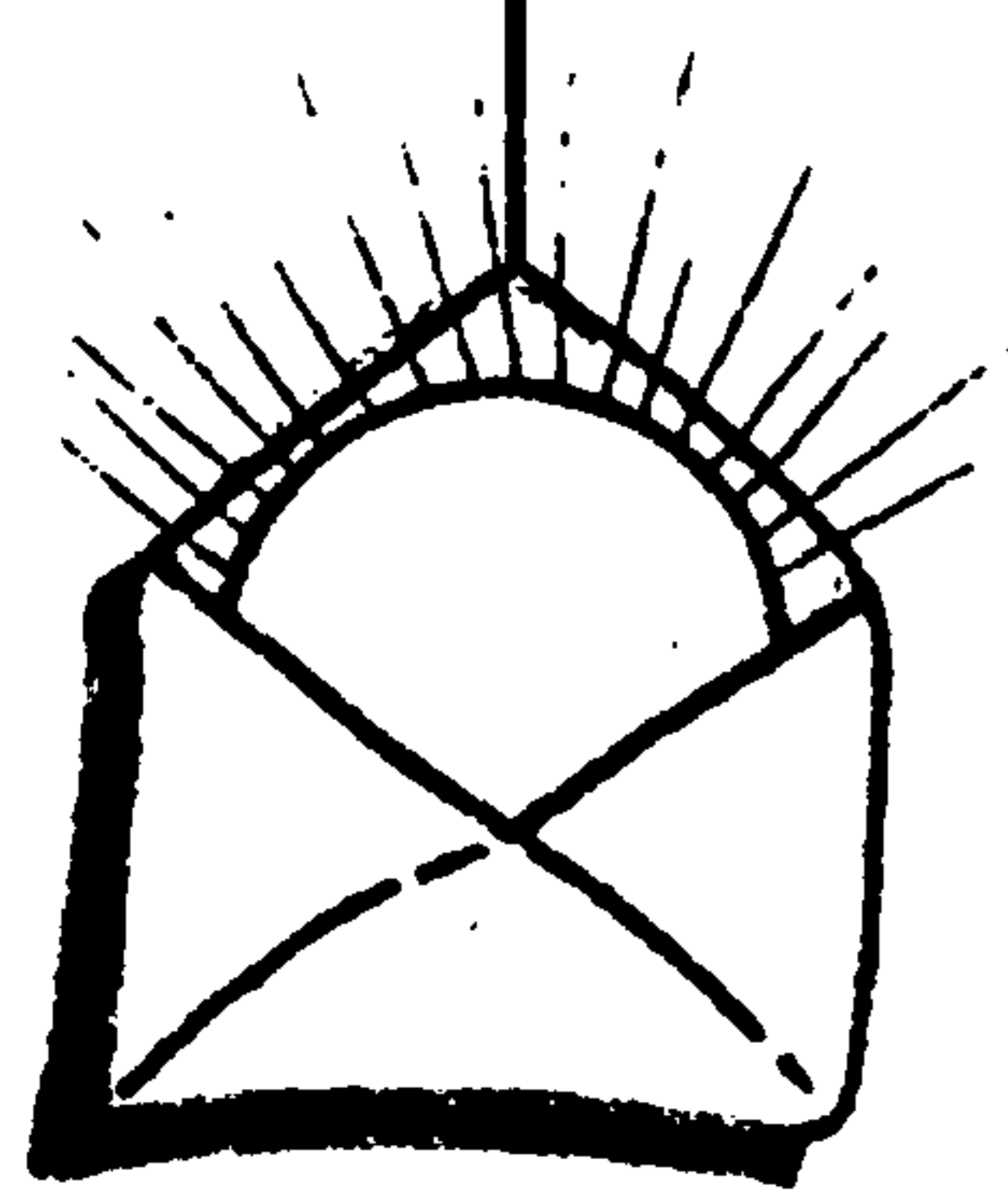
اینجا است که می‌گوییم، حکومت جهانی پیشنهادی آنان، یا محقق پیدانمی‌کند و اگر هم تحقق پیدا کند، هیچ ضمانت اجرایی برای اجرای صحیحی آن در جهت منافع و سعادت و رفاه بشر وجود ندارد.

۲. امتیاز دیگر جامعه‌ی جهانی اسلامی، بر جهانی شدن، این است که محور تمام یک امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلامی برای اداره‌ی جامعه‌ی جهانی کافی است، ولی در جهانی شدن و جهانی سازی. محور، قوانین موضوعه‌ی بشری و الحاد و حاکمیت سکولاریسم است.

۳. در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود، چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت؛ در خدمت دین و اهداف متعالی آن است، در صورتی که در وضعیت جهانی شدن، دین، مخصوصاً اسلام، جایگاه روشنی ندارد.

۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرآن، محور زندگی بشر قرار می‌گیرد. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ»^{۱۸}؛ در آن هنگام که مردم قرآن را به رأی خود تفسیر کنند، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آراء و نظر مردم را تابع قرآن قرار خواهد داد.».

از این کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) استفاده می‌شود که در عصر حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محور همه چیز و همه آراء و عقاید، قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیت جهانی شدن، نه تنها قرآن، در جامعه‌ی بشری محور نیست، بلکه کوشش می‌شود که قرآن از صحنه خارج شود و اگر هم در برخی از جوامع، حضور کم‌رنگی دارد، سعی می‌شود که آیات قرآن را طبق نظر خود تفسیر کنند.



انظار

۲۰۳

سال سوم / شماره هفتم / بهار

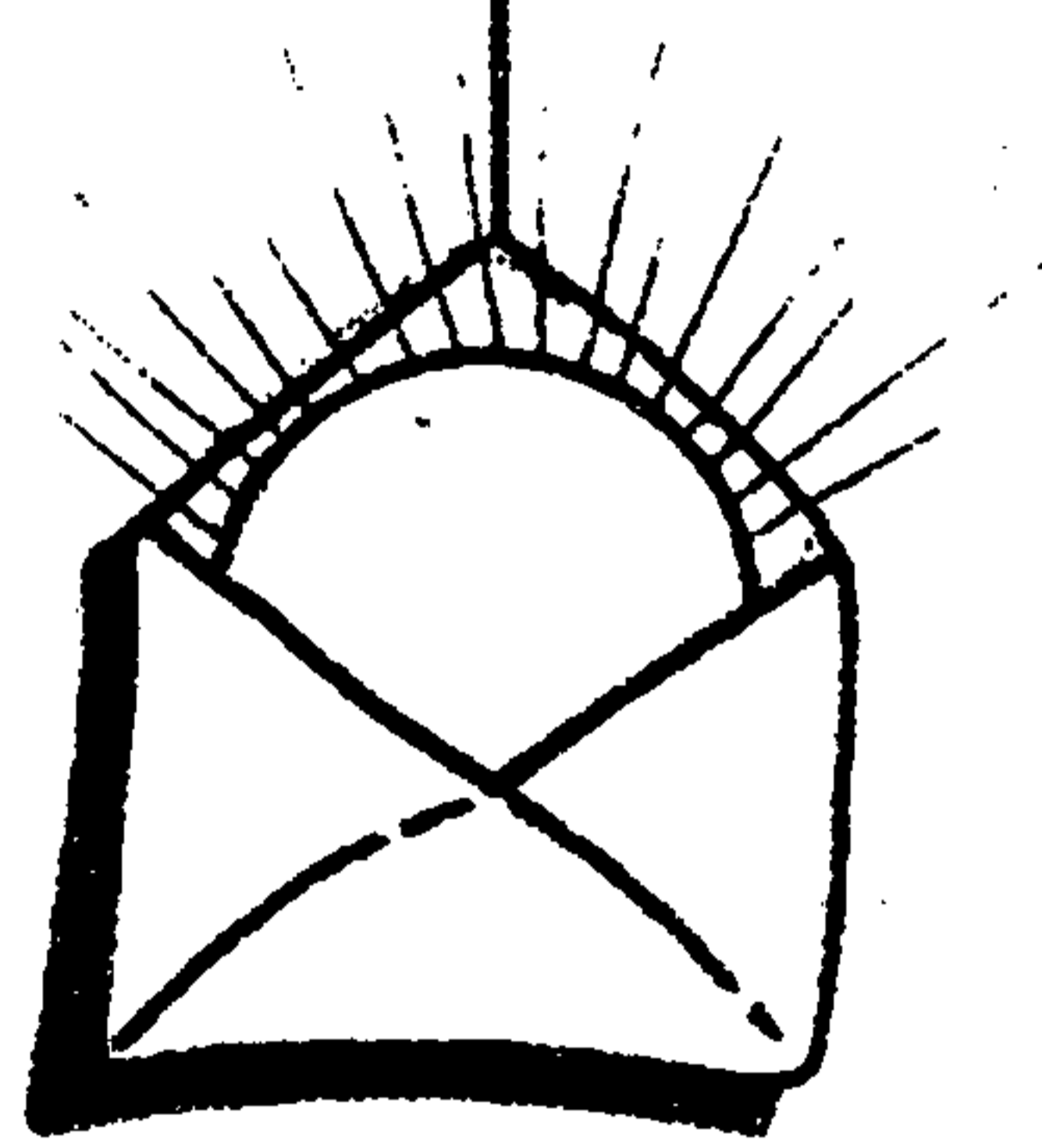
۵. حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر محور توسعه‌ی اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است، در حالی که جهان کنونی ما، از بحران معنویت در رنج است، و امنیت نیز چه در سطوح فردی و چه سطوح عمومی و ملی و جهانی، به خطر افتاده است و از طرفی آن چه به عنوان اهرم قدرت است، برای کشورهای قدرت مند به رسمیت شناخته شده است.

توسعه‌ی علمی، از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است در حدیث شریف از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: **الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّسَالُ، حَرْفَانِ، فَلَمْ تَعْرِفِ النَّاسَ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرِ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا خَرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثَهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا**^{۱۹}؛ علم و دانش، بیست و هفت حرف است. تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را شناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف، کامل و منتشر گردد.» در عصر جهانی شدن، دانش پیشرفته، در انحصار کشورهای خاصی است و این کشورهای از انتقال آن به کشورهای دیگر جلوگیری می‌کنند.

۷. حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومتی است مبتنی بر آموزه‌های حیاتی و دینی. در حالی که جهانی شدن، پیامد و حاصل آگاهانه و ناآگاهانه پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، فن‌آوری، و در ارتباط با نظام سرمایه‌داری و سلطه‌طلبی است.

۸. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشروعیت خود را از خدا دارد و به تعبیر دیگر، حکومت ولایی است که حاکم آن از طرف خدا منصوب است و از ناحیه‌ی مردم نیز مورد پذیرش است؛ یعنی، حکومتی است که از یک سو مبتنی بر تأیید الهی است و از سوی دیگر، مورد رضایت مردم است، در حالی که در جهانی شدن، مشروعیت حکومت جهانی، از ناحیه‌ی مردم است، آن هم با هزاران فریب‌کاری که در گرفتن آرای مردم به کار می‌رود.

۹. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر مبنای حاکمیت عقل است؛ زیرا، عقل انسان‌ها، در عصر ظهور، به کمال می‌رسد. در حالی که حکومت بر اساس جهانی شدن، بر مناب‌های هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی شکل می‌گیرد.



انظر

۲۰۴

سال سوم / شماره هفتم / بهار

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَاقَهُمْ؛^{۲۰} هنگامی که قائم ماقیام کند، خداوند، دست اش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنان را با آن، کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می کند.»

۱۰. در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاطر توسعه ای که در دانش و عقل بشر پیدا می شود، تمامی ظرفیت های اقتصادی طبیعت، کشف می شود و سرمایه. در حدّ وفور، در اختیار است و سیستم توزیع نیز درست عمل می کند، لذا اثری از فقر و شکاف طبقاتی و جنوب و شمال و کشورهای پیشرفته و عقب مانده، مشاهده نمی شود. در این حکومت، جایی را نمی توان دید که آباد نشده باشد. همه جایک سان از مواهب طبیعت برخوردار خواهند شد. در این رابطه، روایات فراوانی است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

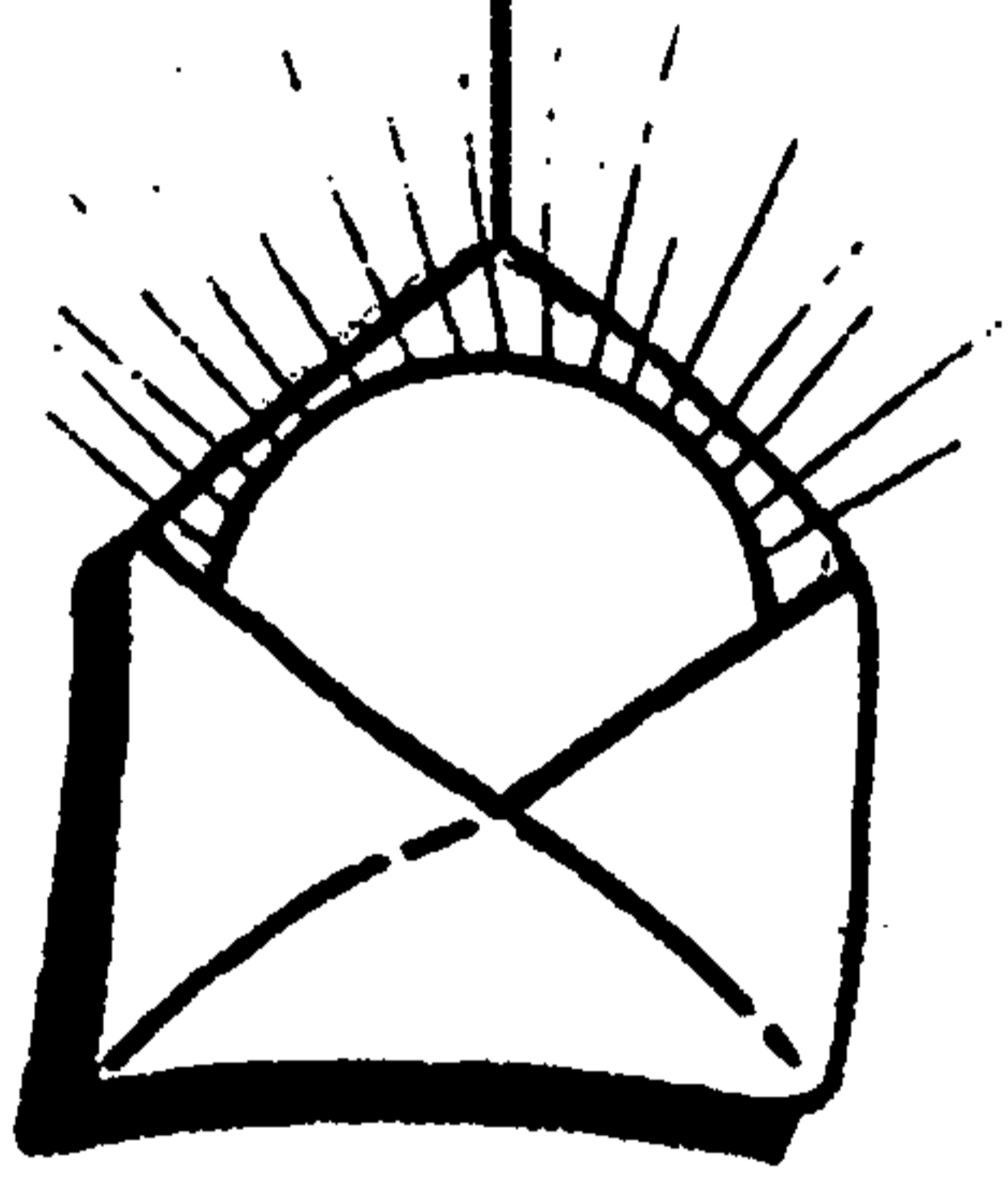
وَأَنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكِنُوزُ وَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يُعَمَّرُهُ؛^{۲۱} حکومت او، شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنج های زمین برای او ظاهر می شود و در سرتاسر عالم، جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر این که آن را آباد خواهد ساخت.

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَىٰ أَهْلِهِ...^{۲۲}

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا... يُقَسِّمُ الْمَالَ صَاحِحًا فَقَالَ رَجُلٌ: «مَا مَعْنَى صَاحِحًا؟» قَالَ: «بِالتَّسْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ...»^{۲۳}؛ شما را به ظهور مهدی بشارت می دهم، زمین را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است... و اموال را به طور صحیح بین مردم تقسیم می کند شخصی پرسید: «معنای تقسیم صحیح چیست؟». فرمود: «به طور مساوی بین مردم تقسیم می کند».

با چنین برنامه ای، یقیناً، شکاف های طبقاتی حاکم نخواهد شد، در حالی که در نظام های اقتصادی حاکم بر جهان، شکاف های اقتصادی وحشتناکی وجود دارد. شکاف شمال و جنوب، شکافی است که به اجماع صاحب نظران توسعه، میان کشورهای توسعه یافته و عقب مانده وجود دارد. وجود کشورهای فقیر و بدهکار در این عالم، بهترین شاهد بر مدعا است.

۱۱. طبق کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مؤمنان، به دور او اجتماع می کنند، و از افراد فاسق و فاجر



انظار

۲۰۵

سال سوم / شماره هفتم / بهار

و کافر، در آن حکومت اثری نیست: فَأَذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرْبَ يَعْسُوبِ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَتَحْمَعُونَ إِلَيْهِ كَمَا مُجْتَمِعٌ قُزَعُ الْخَرِيفِ؛^{۲۴} هنگامی که وضع بدین منوال شد، پیشوای دین خشم گیرد و آمادگی خود را اعلام کند. در این موقع، مؤمنان به سرعت در اطراف اش جمع شوند، همانند اجتماع ابرهای پائیزی.

در جهانی شدن، مؤمنان واقعی، جایگاهی ندارند و اطراف حاکمان و قدرت مندان را افراد هواپرست و لاابالی گرفته‌اند. آنان، اساساً، حکومت و سیاست را از دین جدا می‌دانند و به تعبیر دیگر، در این نوع حکومت، جایی برای مؤمنان نیست.

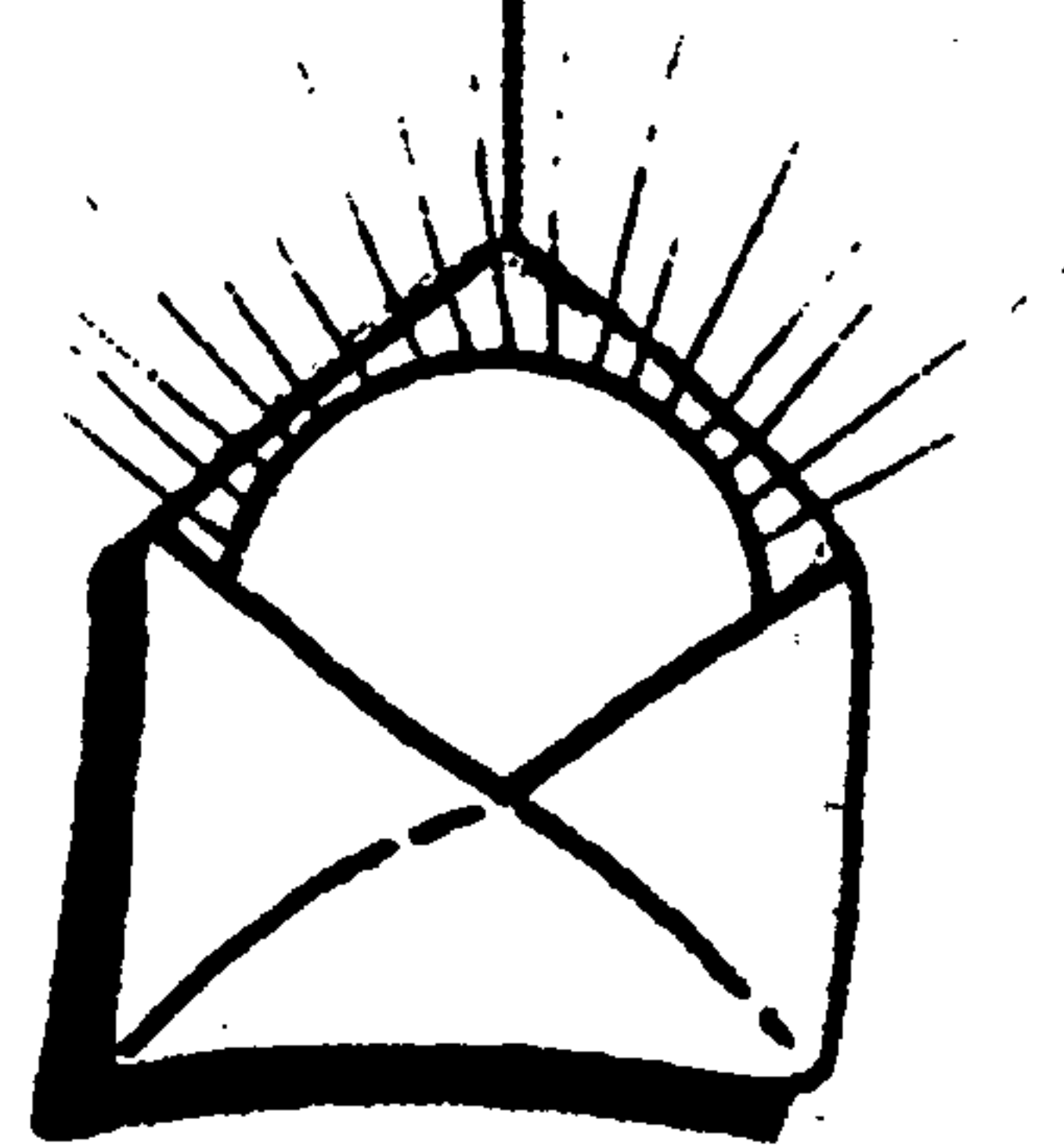
۱۲. الهی شدن، خواسته‌های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است: يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى^{۲۵}؛ او، خواسته‌های نفسانی را تحت اشعاع هدایت الهی قرار می‌دهد، هنگامی که مردم هدایت را تحت الشعاع هوای و هوس خویش قرار داده‌اند.

در عصر جهانی شدن، کوشش، بر طرد فکر الهی و سعی در تبعیت از هواهای نفسانی است.

۱۳. در عصر حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اجتماع گمراهان پراکنده می‌شود و حق جویان گرد هم جمع می‌شوند: دَوِيصِدْعُ شَعْبًا وَيَشَعَبُ صَدْعًا^{۲۶}؛ او، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده می‌کند و حق جویان پراکنده را به دور هم گرد آورد.

در جهانی شدن، ستمگران عالم به هم می‌پیوندند و حق جویان را پراکنده می‌سازند. ۱۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ستمگران و طاغوتیان و کارگزاران بد کیفر می‌بینند و نیکان پاداش می‌گیرند و تشویق می‌شوند: أَلَا وَفِي غَدٍ وَسَيَّاتِي غَدٌ بِمَالَا تَعْرِفُونَ (يَا خُذْ أَلْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا^{۲۷})؛ آگاه باشید! فردا که فردایی است ناشناخته. کسی بر شما حکومت خواهد کرد از غیر خاندان حکومت‌ها. او، عمال و رؤسای حکومت‌ها را برابر اعمال بدشان کیفر می‌دهد.

در عصر جهانی شدن، درست قضیه به عکس است به جنایتکاران مانند شارون (نخست وزیر اسرائیل) لقب «مصلح» می‌دهند و به فرمانده ناو آمریکایی که دستور شلیک موشک را به هواپیمای مسافری ایران داد و نزدیک سیصد تن مسافر بیگناه را کشت، جایزه

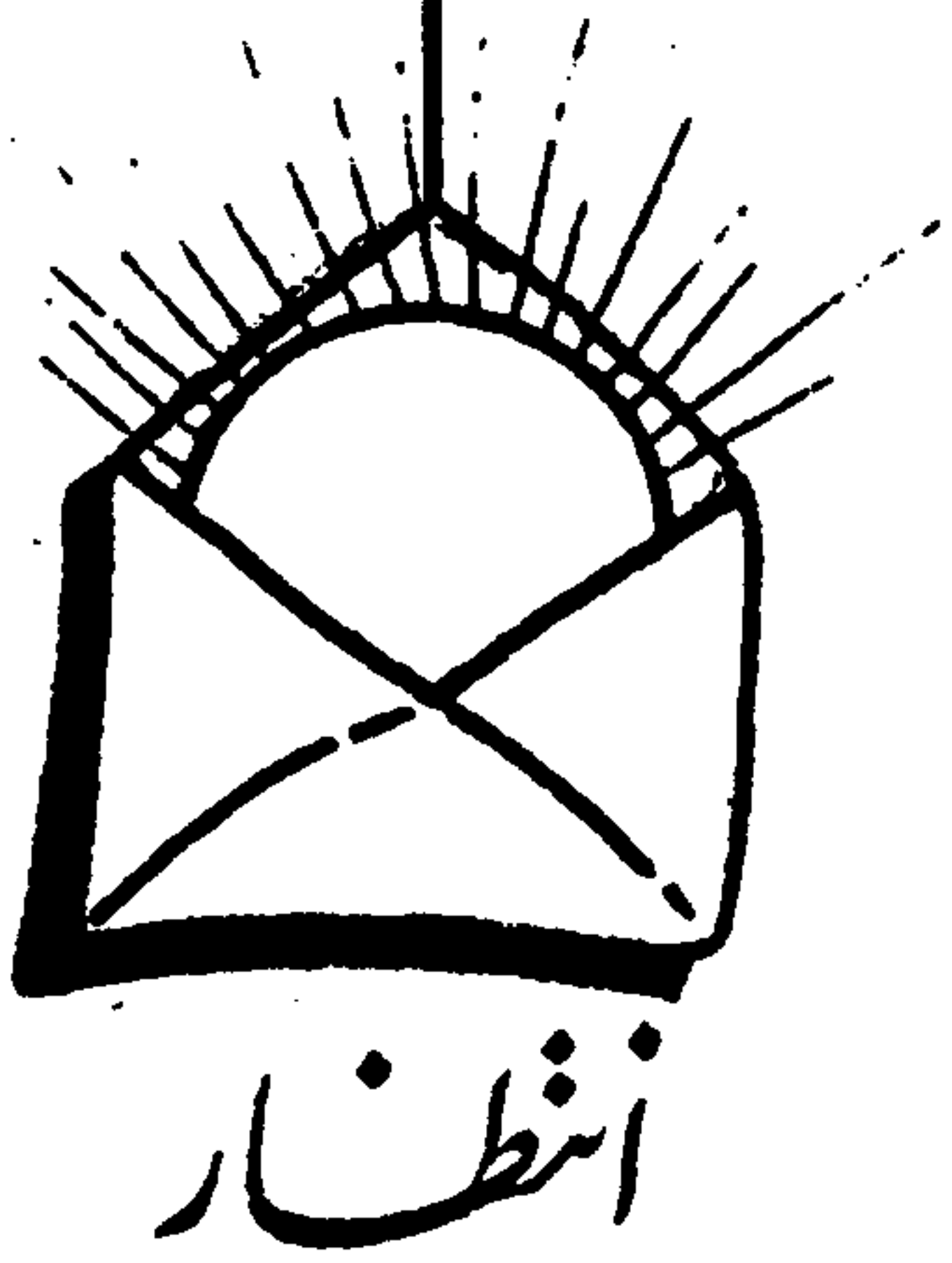


می دهند و فلسطینی های محروم و حزب الله ستم کشیده را لقب تروریست می دهند.

۱۵. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر اساس عدل و قسط اداره می شود، و جایی از کره زمین نیست که در آن عدل گسترده نشود. در روایات متعدد، تعبیر به «یَمَلَأُ». یعنی زمین از عدل پر می شود. شده است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «يَخْرَجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ اسْمَهُ اسْمِي وَ خُلُقُهُ خُلُقِي فَيَمَلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ مردی از اهل بیت (علیهم السلام) من خروج می کند که اسم او، اسم من، خلق او، مانند خلق من است. زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

حاکمان در حکومت های عصر جهانی شدن، خود، از ستمگران اندو چنان در زمین عمل می کنند که گویا دشمن عدل اند و اساساً این که قبل از آمدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهان پر از ظلم و ستم می شود، در همان عصر جهانی شدن است که ظلم فراگیر در زمین تحقق پیدا می کند.

امتیازات حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منحصر در همین پانزده مورد نیست، بلکه ما، در حد نیاز یک مقاله، به آن ها اشاره کردیم. به امید آن که ره پویان آن حضرت، در آینده، امتیازات بیش تری را مطرح کند.



انتظار

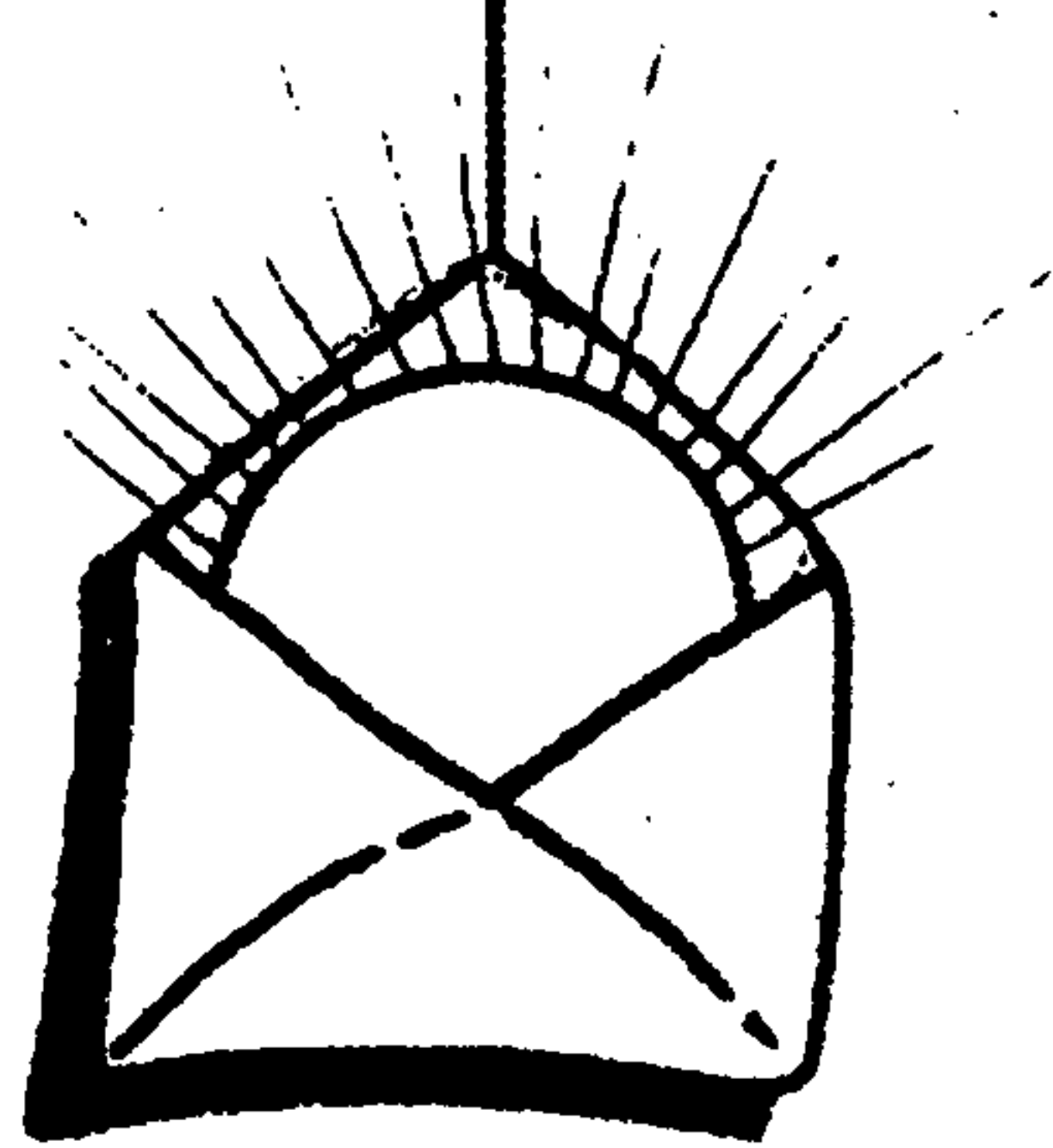
۲۰۷

سال سوم / شماره هفتم / بهار

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آگاهی بیشتر از جهانی شدن و جهانی سازی، به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:
۱. دام جهانی شدن، هانس پیتر مارتین و هارالدشومن؛ ترجمه‌ی حمیدرضا شهمیرزادی
۲. پدیده‌ی جهانی شدن، فرهنگ رجایی، ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ.
۳. جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان؛ دکتر سلیمان ایران زاده.
۴. جهانی شدن فرهنگ و سیاست؛ دکتر سید علی اصغر کاظمی.
۵. جهانی شدن، مالکوم واترز، ترجمه‌ی: اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی
۶. کشورهای در حال توسعه و سازمان جهانی تجارت [گات]، ترجمه‌ی: دکتر احمد یزدانی پناه و سیف‌الله صادقی.
۷. جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، کیت نش، ترجمه‌ی، محمدتقی دلفروز، تهران ۱۳۸۰.
۲. دکتر سلیمان ایران زاده، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، ص ۱۹.
۳. دکتر سلیمان ایران زاده، جهانی شدن و تحولات استراتژیک، ص ۱۷.
۴. هانس پیتر مارتین و شومن، دام جهانی شدن، ترجمه‌ی حمیدرضا شهمیرزادی.
۵. جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، ص ۲۱.
۶. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۱۲.

۷. دکتر سلیمان ایران زاده، جهانی شدن، ص ۲۶.
۸. مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه‌ی اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، ص ۱۴.
۹. مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه‌ی اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، ص ۱۴.
۱۰. هیملینگ کسپس، تاملاتی در مفهوم جهانی شدن، ترجمه‌ی آزاده ابراهیمی، مهر ۱۳۷۹.
۱۱. جهانی شدن و تحولات استراتژیک به نقل از علی عبدالحمید عادل، جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم، ترجمه‌ی مهندس سید اصغر قریشی. ۱۲/ آل عمران ۶۴/
۱۳. انبیا: ۱۰۵.
۱۴. نور: ۵۵.
۱۵. صف: ۹.
۱۶. مجمع البیان، ذیل آیه کانهم از سوره‌ی صف.
۱۷. آل عمران: ۹.
۱۸. نهج البلاغه، ج ۱۳۸.
۱۹. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۲۰. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
۲۱. منتخب الاثر، ص ۴۸۲.
۲۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
۲۳. عقد الدرر، باب هفتم، ص ۲۰۷.
۲۴. بحار، ج ۲، ص ۳۴۲.
۲۵. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.
۲۶. نهج البلاغه، خ ۱۵۰.
۲۷. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.



انظر

۲۰۸

سال سوم / شماره هفتم / بهار